



# شورای همکاری خلیج فارس در ۲۰۲۰ منابعی برای آینده

واحد اطلاعات اکونومیست

نویسنده:

جین کینیمونت

ترجمه شده در

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

اسفندماه ۱۳۹۵

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عنوان گزارش: شورای همکاری خلیج فارس در ۲۰۲۰؛ منابعی برای آینده

The GCC in 2020: Resources for the future

نویسنده: جین کیننیمونت

Jane Kinninmont

ناشر: واحد اطلاعات اکونومیست

Economist Intelligence Unit

تاریخ انتشار:

گروه ترجمه: حنظله سلیمانی، جواد عرب یارمحمدی

ناظران: ابوالفضل غیاثوند، ابوالقاسم اسکندری

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

اسفندماه ۱۳۹۵

---

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است.  
هر گونه بازنشر این گزارش بدون اجازه کتبی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ممنوع است.

## فهرست مطالب

۴	..... ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی
۵	..... پیش‌گفتار
۶	..... خلاصه مدیریتی
۸	..... بخش ۱: انرژی
۸	..... دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس به ورای غنای کنونی خود از سوخت‌های فسیلی می‌نگرند
۹	..... تنوع‌بخشی صنعتی باعث تقویت تقاضای نفت و گاز به عنوان خوراک می‌گردد
۱۲	..... مدیریت تقاضای داخلی به عنوان یک چالش اصلی باقی می‌ماند
۱۶	..... برای سرمایه‌گذاری عظیم در فناوری خورشیدی و هسته‌ای برنامه‌ریزی شده است
۲۱	..... بخش ۲: آب
۲۱	..... تقاضای آب در حال پیشی گرفتن از عرضه آن است
۲۳	..... حفظ منابع طبیعی از نظر سیاسی دشوار است اما فرصت‌هایی را برای توسعه ارائه می‌کند
۲۴	..... خط مشی انرژی بر گسترش ظرفیت نمک‌زدایی اثرگذار خواهد بود
۲۶	..... بخش ۳: مواد غذایی
۲۶	..... اوج قیمت مواد غذایی در سال ۲۰۰۸ پیامدهای سیاستی قوی به همراه داشت
۲۸	..... مناقشات سیاسی در پی تصمیم برای سرمایه‌گذاری کشاورزی در خارج از کشور رخ می‌دهد
۳۰	..... تسهیم عواید با کشورهای تولیدکننده مواد غذایی
۳۳	..... نتیجه‌گیری

## ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی

نوشتارها به افکار جهت و افکار به جهان شکل می‌دهند. جهان امروز نیز دربرگیرنده هزاران اندیشکده، مؤسسه مطالعات راهبردی و اتاق‌های فکری است که کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی را در خود گرد آورده‌اند و با انتشار گزارش‌های راهبردی بر افکار سیاستمداران، بخش خصوصی، رسانه‌ها و جوامع تأثیر می‌گذارند. نزدیک به هفت هزار اندیشکده در جهان وجود دارد که مجموعه گسترده‌ای از دانش راهبردی درباره موضوعات مختلفی از محیط‌زیست تا اقتصاد، روابط بین‌الملل، و مسائل نظامی و امنیتی را منتشر می‌کنند. این مؤسسات هم‌چنین می‌کشند تا برآوردهای خود از آینده را نیز ارائه کنند و آینده‌پژوهی یکی از مهم‌ترین اقدامات آن‌هاست.

آگاهی یافتن از موضوعات مدنظر اندیشکده‌ها و مؤسسات مطالعات راهبردی در جهان یکی از ضرورت‌های تفکر راهبردی در ایران است. تحلیل‌گران و استراتژیست‌های ایرانی برای ارائه تحلیل‌هایی که متضمن تأمین منافع ملی باشد به شناخت گزارش‌های اندیشکده‌های خارجی نیازمند هستند. این‌گونه گزارش‌ها هم‌چنین به لحاظ روش‌شناختی نیز گاه حائز اهمیت هستند. پوشیده نیست که هنوز روش‌شناسی پژوهش‌های راهبردی و حتی گاه شیوه نگارش گزارش‌های راهبردی مؤثر نیز در میان بسیاری از اندیشکده‌های ایرانی کاستی‌هایی دارد.

مرکز بررسی‌های استراتژیک با هدف توجه دادن کارشناسان و تحلیل‌گران کشور، و هم‌چنین جهت اطلاع‌یابی مدیرانی که در معرض مسائل و تصمیم‌گیری‌های راهبردی هستند، نسبت به ترجمه و بنا به مورد انتشار محدود یا عمومی مجموعه‌ای از متون راهبردی اقدام می‌کند. مرکز بررسی‌های استراتژیک اگرچه پیشگفتارهای کوتاهی را به ابتدای این گزارش‌ها می‌افزاید و تلاش دارد تا قرائت تحلیل‌گران این مرکز از هر گزارش را ارائه نماید، اما مندرجات این گزارش‌ها الزاماً بیانگر دیدگاه‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک نیستند. امید است این اقدام به تعمیق تفکر راهبردی کمک نماید. مرکز بررسی‌های استراتژیک از هرگونه نقد و نظر و هم‌چنین دریافت نظرات مخاطبان این مجموعه درباره مندرجات گزارش‌ها استقبال می‌کند. کارشناسان و تحلیل‌گران هم‌چنین می‌توانند متون راهبردی را که ترجمه و ارائه آن‌ها به جامعه کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی کشور مناسب است به این مرکز پیشنهاد کنند.

**حسام‌الدین آشنا**

**سرپرست مرکز بررسی‌های استراتژیک**

## پیش‌گفتار

طی دهه گذشته و با توجه به افزایش ۳۰ درصدی جمعیت شورای همکاری خلیج فارس به بیش از ۵۰ میلیون نفر، این منطقه برای تأمین برق، مواد غذایی و آب تحت فشار فزاینده خواهد بود. نحوه مواجهه منطقه با این چالش‌ها، اثر چشمگیری بر رونق و کیفیت زندگی منطقه، نه تنها در سال ۲۰۲۰ بلکه همچنین در دهه‌های پیش رو خواهد داشت. این گزارش، چشم انداز این منابع اصلی را در دهه پیش رو بررسی کرده و گزینه‌های سیاستی را برای تضمین عرضه متناسب با تقاضا، کشف می‌کند. این گزارش همچنین چالش‌های اجرای این سیاست‌ها از جمله تأمین مالی عظیم زیر ساخت‌های جدید و شکل‌دهی به نگرش عمومی برای ترغیب صرفه جویی، را مورد رسیدگی قرار می‌دهد.

بسیاری از این چالش‌ها برای دولت‌های منطقه شناخته شده هستند، به گونه‌ای که در حال حاضر هم اقدامات مورد نیاز را آغاز نموده‌اند. در حالی که هنوز کارهای زیادی باید انجام شود، جمعیت جوان و منابع سرمایه‌ای عظیم کشورهای حوزه خلیج فارس، مزایای اصلی به شمار می‌روند.

«شورای همکاری خلیج فارس ۲۰۲۰: منابعی برای آینده» یک مقاله تحقیقی است که توسط واحد اطلاعات مؤسسه اکونومیست<sup>۱</sup> انجام شده است. این تحقیق توسط مرکز مالی قطر<sup>۲</sup> به منظور ترویج گفت‌وگو آگاهانه پشتیبانی می‌شود. واحد اطلاعات مؤسسه اکونومیست مسئولیت محتوای این گزارش را بر عهده می‌گیرد. نگارنده گزارش جین کینینمونت<sup>۳</sup> و ویراستار آن آویوا فرودمان<sup>۴</sup> بوده است.

یافته‌ها، مبتنی بر دو مجرای تحقیق هستند:

- تحلیل عرضه و تقاضای منابع، بر مبنای داده‌های واحد اطلاعات مؤسسه اکونومیست و دیگر منابع اطلاعاتی.
- برنامه مصاحبه‌های ژرف پژوهانه با اقتصاددانان، دانش‌گاہیان و دیگر کارشناسان برجسته در حوزه الزامات منابع منطقه.

<sup>۱</sup> Economist Intelligence Unit

<sup>۲</sup> Qatar Financial Centre (QFC)

<sup>۳</sup> Jane Kinninmont

<sup>۴</sup> Aviva Freudmann

## خلاصه مدیریتی

انتظار می‌رود کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (قطر، امارات متحده عربی، کویت، بحرین، عربستان سعودی و عمان) در طی دهه آینده رشد زیادی هم از لحاظ جمعیت و هم تولید ناخالص داخلی داشته باشند. پیش‌بینی می‌شود که جمعیت شورای همکاری خلیج فارس تا سال ۲۰۲۰ با ۳۰ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۰۰ به ۵۳/۵ میلیون نفر برسد. در همین دوره، انتظار می‌رود تولید ناخالص داخلی واقعی این منطقه ۵۶ درصد رشد نماید. پیش‌بینی می‌شود تولید ناخالص داخلی اسمی، که در سال ۲۰۰۰ حدود ۳۴۱/۶ میلیارد دلار آمریکا بوده، در سال ۲۰۱۰ به بیش از یک تریلیون دلار و در سال ۲۰۲۰ به ۲ تریلیون دلار برسد.

گرچه پیش‌بینی‌های اقتصادی مثبت است، اما یک ریسک نیز به همراه دارد: این رشد مدیریت نشده دارای اثرات جانبی منفی همچون کمبود انرژی و افزایش قیمت‌ها به خصوص در مواد غذایی خواهد بود. برخی از دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس در حال حاضر نیز کمبودهای مقطعی برق و گاز را تجربه می‌کنند، در حالی که تأمین آب نیز تحت فشار است و کمبود مواد غذایی نیز به عنوان ریسکی برای این منطقه وابسته به واردات، ظهور می‌یابد. بنابراین یکی از چالش‌های منطقه شورای همکاری خلیج فارس در دهه آینده، مدیریت منابع انرژی، آب و مواد غذایی برای تضمین استانداردهای بالای زندگی و رشد پایدار در بلندمدت است.

دولت‌های عرب شورای همکاری خلیج فارس با آگاهی از این چالش‌ها، اقداماتی را برای تضمین رشد پایدار بلندمدت به انجام می‌رسانند. اینها عبارتند از:

- مطرح کردن راهکارهای بهینه‌سازی مصرف انرژی؛
- سرمایه‌گذاری در سوخت‌های پاک و تأمین انرژی‌های تجدیدپذیر؛
- بهبود کارایی آب؛
- سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌های جدید نمک‌زدایی آب؛ و
- خرید یا اجاره زمین کشاورزی در خارج.

گرچه دولت‌های منطقه چالش‌های موجود در تقویت تضمین عرضه منابع در بلندمدت را تشخیص داده‌اند، اما کارهای زیاد دیگری باید انجام شود تا موفقیت اقدامات سیاستی را تضمین نماید. به عنوان مثال، دیدگاه عمومی به صرفه جویی انرژی و آب - از جمله قطع یارانه‌ها - هنوز هم در برابر تغییر، مقاومت می‌کند. زیرساخت‌های جدید برای تولید آب و برق مستلزم سرمایه‌گذاری عظیم است. مناقشات سیاسی ناشی از سرمایه‌گذاری در زمین‌های کشاورزی در خارج، نیازمند مدیریت مستمر است. با این حال علیرغم این چالش‌ها، دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس چشم‌اندازی مثبت برای تضمین بلندمدت منابع اصلی

دارند، زیرا جمعیت جوان و منابع سرمایه‌ای عظیم آنها، شرایط مناسبی را برای انجام تغییرات مورد نیاز فراهم می‌کند.

## بخش ۱: انرژی

**دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس به ورای غنای کنونی خود از سوخت‌های فسیلی می‌نگرند**

با توجه به ذخایر عظیم نفت و گاز در منطقه شورای همکاری خلیج فارس، صرفه‌جویی انرژی ممکن است ضروری به نظر نرسد. در واقع رشد تقاضای جهانی نفت و گاز ادامه خواهد یافت، زیرا افزایش تقاضا در بازارهای نوظهور، تقاضای ضعیف در کشورهای OECD را جبران می‌کند. در همین حال، رشد عرضه توسط کشورهای غیراوپک نیز احتمالاً با کاهش مواجه می‌شود و ظرفیت توسعه عراق و ایران نیز به واسطه عوامل سیاسی با مانع مواجه خواهد بود. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس کنترل ۴۰ درصد ذخایر شناسایی شده نفت و ۲۳ درصد از ذخایر ثابت شده گاز طبیعی جهان را در اختیار دارند. وابستگی جهان به صادرات انرژی شورای همکاری خلیج فارس تا سال ۲۰۲۰ افزایش خواهد یافت. در این شرایط، چرا باید شورای همکاری خلیج فارس درباره حفظ منابع انرژی نگرانی داشته باشد؟

شورا باید در صرفه‌جویی و حفظ این منابع بکوشد، نه تنها به این دلیل که منابع هیدروکربنی محدود هستند، بلکه همچنین به این خاطر که صرفه‌جویی، توجیه مالی ایجاد می‌کند. تقاضای برق که نوعاً با گاز داخلی ایجاد می‌شود، در حال حاضر از عرضه آن در شورای همکاری خلیج فارس بیشتر است. رشد سریع جمعیت، تهدیدی برای کمبود شدید است، مگر اینکه اقدامی صورت پذیرد. مضاف بر این، استفاده از سوخت‌های فسیلی برای تولید برق به معنای دسترسی کمتر به این سوخت‌ها برای صادرات است که این به نوبه خود معادل هزینه فرصت بالا است.

با تداعی این عوامل در ذهن، دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس در حال آغاز بازبینی شیوه‌های مدیریت منابع نفت و گاز خود هستند. اکثر آنها مخصوصاً سعی در مهار مصرف بی‌رویه داخلی برق و گاز دارند. آنها برنامه دارند که صادرات نفت به صورت خام را ادامه دهند، اما سهم بیشتری از نفت خام را برای تولید محصولات فرآوری شده دارای ارزش افزوده همچون محصولات پتروشیمی و پلاستیک، برای صادرات حفظ کنند. به غیر از برنامه‌های قطر برای صادرات گاز طبیعی مایع (LNG) دولت‌های منطقه عمدتاً از گاز طبیعی به عنوان خوراک نیروگاه‌های برق داخلی استفاده خواهند کرد. آنها همچنین سرمایه‌گذاری بیشتری در توسعه سوخت‌های پاک‌تر، هم در واکنش به نگرانی‌های جهانی درباره انتشار کربن و هم به عنوان راهی برای تکمیل عرضه سوخت برای بازارهای داخلی، انجام خواهند داد.

همه این‌ها نشانگر یک رویکرد تفکر آینده‌نگر برای حل مشکلی است که در مراحل ابتدایی ظهور خود قرار دارد. شورای همکاری خلیج فارس دارای منابع عظیم سوخت‌های فسیلی است، اما نمی‌تواند به مزیت عرضه بلندمدت خود غره شود. مناطق دیگر، سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در سوخت‌های جایگزین و کارایی سوخت، همچون توسعه ذخایر نفت و گاز استفاده نشده قبلی، نموده‌اند و لذا می‌توانند رقاباتی بالقوه برای عرضه توسط کشورهای شورای همکاری خلیج فارس باشند.



به عنوان مثال، میدان گازی گورگون<sup>۱</sup> با ذخیره تقریبی ۴۰ تریلیون فوت مکعب که در سال ۲۰۰۹ در استرالیا کشف شد، حدود ۰/۶ درصد به ذخایر شناسایی شده جهانی گاز طبیعی اضافه نمود، و این میدان گازی نسبت به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به بازارهای اصلی آسیایی بسیار نزدیکتر است. نمونه دیگر، کشف گاز شیل<sup>۲</sup> در ایالات متحده در دو سال گذشته است. جاستین دارگین<sup>۳</sup> محقق برنامه دویی<sup>۴</sup> در دانشگاه هاروارد بیان می‌دارد که «قبل از این کشف، دولت‌های حوزه خلیج فارس فرض را بر این دارند که گاز ارزان قیمت آنها نه تنها کمکی برای صنایع ملی آنها است، بلکه به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط شرکت‌های بین‌المللی نیز کمک کرده و انتقال فناوری را تسهیل می‌نماید.» سه سال پیش، هزینه خرید گاز در ایالات متحده حدود ۱۳ دلار به ازای هر میلیون Btu بود در حالی که این رقم در حوزه خلیج فارس تنها یک دلار به ازای هر میلیون Btu بوده است. اما کشف گاز شیل می‌تواند رقابتی بودن کشورهای حوزه خلیج را متوقف نماید.»

دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس می‌دانند که باید آماده رویارویی با جهانی با رقابت فزاینده در بازارهای انرژی باشند. این باعث از بین رفتن بخشی از مقاومت سنتی منطقه در برابر توسعه منابع انرژی جایگزین می‌گردد. بسیاری از کشورهای منطقه به جای ملاحظه چنین سوخت‌هایی به عنوان تهدیدی برای بازارهای خود - که یا تقاضا را کاهش می‌دهند یا جایگزین‌هایی را برای صادرات سوخت‌های فسیلی ارائه می‌کنند - به این فناوری‌ها به عنوان بخشی از یک روند غیرقابل توقف جهانی می‌نگرند که می‌تواند برای آنها نیز مزیت داشته باشد، اگر خود آنها نیز فناوری‌های رقابتی را توسعه دهند.

### تنوع بخشی صنعتی باعث تقویت تقاضای نفت و گاز به عنوان خوراک می‌گردد

علیرغم ثروت سوخت‌های فسیلی - یا شاید به دلیل آن - دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس در حال حرکت از سمت وابستگی به نفت و گاز به سوی تنوع هستند. هدف از تنوع بخشی، کاهش آسیب‌پذیری بلندمدت منطقه در برابر تغییرات تقاضای بین‌المللی، ایجاد اشتغال برای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در صنایع دانش بنیان‌تر و آماده شدن برای گذار تدریجی به یک اقتصاد فراهیدروکربنی است. گرچه نفت و گاز به عنوان نقطه اتکای اقتصادهای حوزه خلیج فارس طی دهه آینده باقی خواهد ماند، اما توسعه بلندمدت منطقه به سرمایه‌گذاری در جایگزین‌ها نیز بستگی دارد.

شورای همکاری خلیج فارس در توسعه صنایع انرژی‌بر مانند آلومینیوم و محصولات شیمیایی بسیار نوپا است، اما این فرایند طی دهه آینده به عنوان بخشی از تلاش‌ها برای تنوع بخشی به اقتصاد خلیج فارس و

<sup>1</sup> Gorgon

<sup>2</sup> Shale gas

(گاز شیل به گاز طبیعی گفته می‌شود که در تشکیلات زمین شناسی شیل به دام افتاده است. شیل‌ها، سنگ‌ها و صخره‌های رسوبی ریزدانه هستند که از به هم فشردگی گل و لای و ذرات معدنی تشکیل شده‌اند و می‌توانند منبع غنی از نفت و گاز طبیعی باشند)

<sup>3</sup> Justin Dargin

<sup>4</sup> Dubai Programme

ایجاد اشتغال، پر جنب و جوش تر خواهد شد. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به دلیل فراوانی عرضه سوخت‌های فسیلی دارای مزیت طبیعی در توسعه این صنایع هستند. با این وجود، برخی از دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس با محدودیت‌هایی در ظرفیت تولید گاز مواجه هستند و در برخی موارد، حتی برای تأمین نیاز صنایع داخلی مجبور به واردات گاز می‌شوند، و لذا باید در ظرفیت‌های جدید سرمایه‌گذاری نمایند.

## تکامل سیاست انرژی خلیج فارس

در طول دهه آینده، شورای همکاری خلیج فارس ...

### • در افزودن ارزش سوخت‌های فسیلی صادرشده سرمایه‌گذاری می‌نماید

سهم فزاینده‌ای از نفت و گاز به سوخت‌های پالایش‌شده، محصولات پتروشیمی و پلاستیک فرآوری خواهند شد. علاوه بر این، گاز بیشتری در مسیر استفاده برای صنایع داخلی انرژی بر مانند تولید پلاستیک، آلومینیوم و مس قرار می‌گیرد. تعداد بیشتری از این پروژه‌ها در سال‌های پیش رو ظهور خواهند یافت.

### • در تولید انرژی برای تأمین تقاضای فزاینده سرمایه‌گذاری می‌نماید

تقاضای برق به طور میانگین سالانه ۷ تا ۸ درصد افزایش می‌یابد؛ در اقتصادهای با کندترین و سریع‌ترین رشد، تقاضا حتی با سرعت بیشتری رشد می‌نماید. در مواجهه با کمبودهای فصلی برق، دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس سرمایه‌گذاری عظیمی در ظرفیت تولیدی گازسوز خواهند نمود و سعی در کنترل تقاضای برق خواهند داشت. به احتمال زیاد به جای تغییرات نظام یارانه‌ها، مقررات سخت‌گیرانه‌تر صرفه‌جویی انرژی اعمال خواهد شد.

### • در سوخت‌ها تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری می‌نماید

دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس برای متنوع کردن اقتصادهای خود و انتفاع از تقاضای فزاینده جهانی برای انرژی‌های تجدیدپذیر، در جایگزین‌هایی مانند انرژی‌های خورشیدی و هسته‌ای سرمایه‌گذاری خواهند نمود. این منابع به آنها کمک می‌کند تا بتوانند کمبودهای عرضه برق را پوشش داده و نفت و گاز بیشتری برای فرآوری و صادرات باقی بماند.

### • منابع بیشتری را به توسعه فناوری‌های انرژی «پاک‌تر» اختصاص می‌دهد

پذیرش فزاینده‌ای وجود دارد که نگرانی‌های مربوط به تغییرات اقلیمی جهانی تنها یک میل یا مُد گذرا نیست و این که در واقع آن‌ها فرصت‌هایی را فراهم می‌کنند. دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس برای حفظ بازارهای خود در کشورهایی که محدودیت‌های انتشار کربن را تعیین کرده‌اند، در فناوری‌هایی همچون جذب و جداسازی کربن<sup>۱</sup> سرمایه‌گذاری خواهند نمود.

<sup>1</sup> carbon capture and sequestration

ژان فرانکو سزنک<sup>۱</sup> دانشیار مدعو مرکز مطالعات عرب معاصر دانشگاه جورج تاون<sup>۲</sup> بیان می‌دارد که جذاب‌ترین بخش‌ها برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در دهه آینده، «محصولات شیمیایی، فلزات و تمام صنایعی که تأمین خوراک ارزان قیمت در آن‌ها حائز اهمیت است و تمام صنایع خدماتی مرتبط با آنها خواهد بود». آقای سزنک معتقد است که در بلندمدت، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به طور فزاینده‌ای ایران و عراق را رها کرده تا این دو کشور بر صادرات نفت خام متمرکز شوند و خود بر صادرات محصولات با ارزش افزوده بالاتر تمرکز نمایند. نظر آقای دارگین از هاروارد این است که «توسعه پتروشیمی به عنوان امری مهم برای منافع ملی نگریسته می‌شود. تقاضای جدید چشمگیری در این بخش به خصوص در هند و چین وجود خواهد داشت». شورای همکاری خلیج فارس به طور فزاینده‌ای خود را در رقابت برای این بازارها با صادرکنندگان غالبی همچون آلمان و انگلستان خواهد یافت.

به وضوح مشخص است که دسترسی به خوراک انرژی ارزان قیمت یک جاذبه مهم برای سرمایه‌گذاران خارجی است. به دلیل تولید کم یا هزینه‌های حمل و نقل، خوراک انرژی برای صنایع معمولاً با قیمت سر به سر یا با سود اندک به فروش می‌رسد. آقای دارگین بیان می‌دارد که «عرضه گاز با قیمت سر چاه به جای قیمت بازارهای بین‌المللی، هزینه فرصت قابل توجهی به همراه دارد، اما بخش مهمی از راهبرد صنعتی‌سازی شورای همکاری خلیج فارس است».

همان‌طور که بیان شد، هزینه گاز در شورای همکاری خلیج فارس در میان‌مدت یا بلندمدت احتمالاً افزایش می‌یابد. یکی از دلایل آن می‌تواند این باشد که برخی از کشورهای تولیدکننده در حال گذار از استفاده سنتی از گاز همراه<sup>۳</sup> - تولید شده به عنوان محصول فرعی استخراج نفت - به تولید بیشتر گاز غیرهمراه<sup>۴</sup> هستند. گاز غیرهمراهی که در دهه آینده تولید می‌شود، گران‌تر از گاز غیرهمراه مورد استفاده در گذشته است. برخی از دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس (کویت، بحرین و امارات متحده عربی) شروع به افزایش واردات گاز خواهند نمود، در حالی که برای تقویت تولید خود نیز تلاش خواهند کرد.

<sup>1</sup> Jean-François Seznec

<sup>2</sup> Georgetown University's Center for Contemporary Arab Studies

<sup>3</sup> associated gas

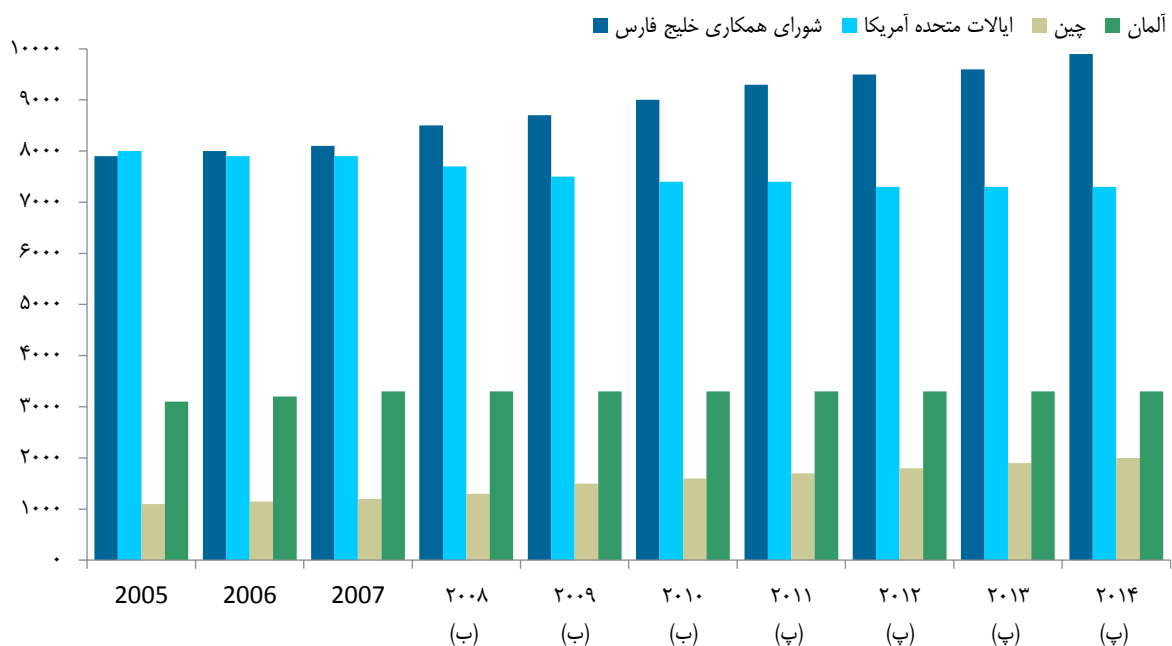
<sup>4</sup> non-associated gas

جدول ۱. رشد سریع کل مصرف انرژی در شورای همکاری خلیج فارس و اقتصادهای دیگر، میلیون تن معادل نفت، ۲۰۰۵-۱۴

کشور/منطقه	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴
شورای همکاری خلیج فارس	۲۷۵,۸	۲۸۹,۶	۳۰۷,۶	۳۲۹,۶	۳۴۳,۹	۳۶۵,۸	۳۸۹,۳	۴۱۲	۴۳۵,۴	۴۶۰,۵
درصد تغییر سالانه	۸	۶,۳	۸,۴	۲,۸	۵,۴	۵,۹	۵,۴	۵,۹	۵,۴	۵,۵
چین	۱۵۶۷	۱۷۱۸	۱۸۵۳	۱۹۸۸	۲۰۹۶	۲۲۶۵	۲۳۹۴	۲۵۳۱	۲۶۷۱	۲۸۱۷
درصد تغییر سالانه	۹,۶	۷,۹	۷,۳	۵,۴	۸,۱	۵,۷	۵,۷	۵,۷	۵,۵	۵,۵
آمریکا	۲۳۵۷	۲۳۴۲	۲۳۸۱	۲۳۲۹	۲۲۶۷	۲۲۷۲	۲۲۷۰	۲۲۷۲	۲۲۹۹	۲۳۲۶
درصد تغییر سالانه	-۰,۶	۱,۷	-۲,۲	-۲,۷	-۰,۲	۰,۲	-۰,۱	۰,۱	۱,۲	۱,۲
ژاپن	۵۳۱	۵۳۲	۵۲۶	۵۱۴	۴۸۲	۴۸۸	۴۹۱	۴۹۴	۴۹۸	۵۰۱
درصد تغییر سالانه	۰,۲	-۱,۱	-۲,۳	-۶,۲	۱,۲	۰,۶	۰,۶	۰,۶	۰,۸	۰,۶
هند	۳۷۸	۴۰۹	۴۳۴	۴۶۰	۴۸۸	۵۱۹	۵۵۱	۵۸۶	۶۲۵	۶۶۵
درصد تغییر سالانه	۸,۲	۶,۱	۶	۶,۱	۶,۲	۶,۴	۶,۲	۶,۴	۶,۷	۶,۴
آلمان	۳۴۳	۳۴۹	۳۵۵	۳۵۹	۳۳۷	۳۳۶	۳۳۹	۳۴۳	۳۴۷	۳۵۵
درصد تغییر سالانه	۱,۷	۱,۷	۱,۱	-۶,۱	-۰,۳	۰,۹	۱,۲	۱,۲	۱,۲	۲,۳

#### مصرف کنندگان افراطی انرژی

(سرانه مصرف انرژی در شورای همکاری خلیج فارس و اقتصادهای دیگر؛ کیلوگرم معادل نفت)  
(ب: برآورد پ: پیش بینی)



#### مدیریت تقاضای داخلی به عنوان یک چالش اصلی باقی می ماند

تمام این موارد، بحث را به نفع صرفه جویی داخلی منابع سوخت های فسیلی تقویت می کند. سرانه مصرف سوخت و برق در شورای همکاری خلیج فارس نسبت به برخی دیگر از اقتصادهای پرمصرف انرژی همچون آلمان، بالا است. در حال حاضر نیز خاموشی و نیمه خاموشی های ناشی از کمبود برق در زمان های

اوج تقاضا، معمول است و همراهی عرضه با تقاضا با توجه به رشد جمعیت و گسترش اقتصاد، به طور فزاینده‌ای دشوار است. با توجه به رشد جمعیت، یارانه‌های انرژی یک هزینه رو به افزایش برای دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس است و این دولت‌ها تشخیص داده‌اند که الگوهای مصرف جاری، پایدار نیستند. نجیب صعب<sup>۱</sup> دبیرکل بنیاد عربی برای توسعه زیست محیطی<sup>۲</sup> و سردبیر مجله لبنانی محیط‌زیست و توسعه با عنوان البیئه و التنمیه<sup>۳</sup> بیان می‌دارد که «برای اینکه ثابت کنید در مورد صرفه‌جویی انرژی جدی هستید، شما باید از کشور خود آغاز کنید». «این در شورای همکاری خلیج فارس در مراحل نوپا قرار دارد».

مدیریت تقاضای داخلی هم برای سوخت‌های فسیلی و هم برق به عنوان یک چالش اصلی برای منطقه‌ای باقی می‌ماند که به وفور و ارزانی عرضه عادت کرده است. یک فرهنگ اتلاف انرژی حول قیمت‌های یارانه‌ای سوخت و برق شکل گرفته است. به عنوان مثال، در بین مردم رایج است که در زمان ترک منازل خود، سیستم‌های تهویه مطبوع، روشنایی و موسیقی را روشن باقی بگذارند. شرکت‌های خارجی پرمصرف‌ترین سیستم‌های تهویه و خودروهای خود را به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس می‌فروشند. بسیاری از مصرف‌کنندگان، یارانه‌های انرژی را به عنوان بخشی از قرارداد اجتماعی با حاکمان شورای همکاری خلیج فارس یا بخش مهمی از توزیع ثروت می‌پندارند.

کاستاس نیکولوپولوس<sup>۴</sup> رئیس یک بنگاه مدیریت سرمایه‌گذاری و مشاوره با عنوان مرکز خاورمیانه و شمال آفریقا برای تغییرات اقلیمی<sup>۵</sup> بیان می‌دارد که «تغییر یارانه‌ها از نظر سیاسی بسیار دشوار است. انرژی، ثروت ملی است و مردم احساس می‌کنند که حقی برای مصرف بخشی از این منابع دارند». استاد گیاکومو لوجیانی<sup>۶</sup> از مرکز تحقیقات خلیج فارس<sup>۷</sup> در سوئیس می‌گوید که یارانه‌ها باید کاهش یابند اما ابزارهای دیگر – همچون تشدید مقررات صرفه‌جویی انرژی – باید ابتدا به کار گرفته شوند.

همان طور که آقای نجیب صعب بیان می‌کند، «مردم کشورهای شورای همکاری خلیج فارس می‌توانند حدود ۴۰ درصد در قبض‌های انرژی خود از طریق استفاده از محصولات کم مصرف، صرفه جویی کنند. مقررات نیاز است زیرا تولیدکنندگان به خودی خود تغییر نمی‌کنند. شرکت‌های خودروسازی هنوز مدل‌هایی را به حوزه خلیج فارس صادر می‌کنند که سال‌ها پیش در نقاط دیگر جهان منسوخ شده‌اند».

گلادا لان<sup>۸</sup> محقق مرکز انرژی و توسعه اندیشکده چتم هاوس<sup>۹</sup> انگلستان اذعان می‌دارد که انرژی ارزان به عنوان یک حق برای شهروندان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در نظر گرفته می‌شود. اما او یادآور

<sup>۱</sup> Najib Saab

<sup>۲</sup> Arab Fund for Environmental Development

<sup>۳</sup> Al-Bia Wal-Tanmia

<sup>۴</sup> Kostas Nikolopoulos

<sup>۵</sup> Middle East and North Africa for Climate Change Capital

<sup>۶</sup> Giacomo Luciani

<sup>۷</sup> Gulf Research Centre

<sup>۸</sup> Glada Lahn

<sup>۹</sup> Chatham thinktank

می‌شود که یارانه‌ها به سمت نزولی بودن تمایل دارند: افراد ثروتمند بیشترین منفعت را می‌برند زیرا آنها خانه‌های وسیع‌تر و خودروهایی بزرگ‌تری دارند و در فعالیتهای انرژی برتری اشتغال دارند». وی می‌گوید که این موضوع باید در سطوح مختلف مورد بررسی قرار گیرد. «دولت‌ها می‌توانند درک عمومی از این موضوع ایجاد کنند که چه میزان از انرژی اتلاف می‌شود و مردم چگونه می‌توانند از صرفه‌جویی منتفع شوند. همچنین باید یک ارزیابی دقیق و کلی از گروه‌های متضرر از افزایش قیمت‌های انرژی و چگونگی جبران آنها به کاراترین روش ممکن انجام دهند. در همین حال، بخش خصوصی می‌تواند فشار برای تغییر را، از طریق نشان دادن تعهد برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های کارایی و انرژی‌های جایگزین با توجه به انگیزه‌های سیاستی درست، اضافه نماید».

گذشته از قطع یارانه‌ها، دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس می‌توانند روش‌های بهینه مصرف انرژی را در طراحی ساختمان‌ها و زیرساخت‌های حمل و نقل، ترویج نمایند. آقای صعب یادآور می‌شود که فشار فزاینده‌ای برای کاهش انتشار کربن از سیستم‌های حمل و نقل و صنایع به دلیل نگرانی از آلودگی هوا در بسیاری از شهرهای حوزه خلیج فارس وجود دارد. او بیان می‌دارد که «قطع نظر از تغییرات اقلیمی، این بخش‌ها باید طی دهه آینده از نظر مصرف انرژی، کاراتر شوند، زیرا آلودگی هوا مستقیماً بر مردم تأثیر می‌گذارد».

بر اساس اظهارات رونالد مک کفر<sup>۱</sup> استاد مدیریت ساختمان دانشگاه لافبور<sup>۲</sup> در انگلستان، برخی از این تغییرات هم اکنون در حال انجام است. وی اذعان می‌دارد که مقامات این کشورها نیاز به ساختمان‌های سبز را تشخیص داده و موضوعات زیست محیطی را نیز در مهندسی در کنار معماری مورد بررسی قرار می‌دهند. «طراحی ساختمان‌ها در خاورمیانه بر مبنای دسترس به نفت ارزان قیمت است. نتیجه، ساختمان‌هایی با سیستم‌های تهویه مطبوعی سنگین شده که مقادیر زیادی از انرژی را مصرف می‌کنند. با این حال، رهبران فکری در حال تشخیص این موضوع هستند که ارزش نفت برای کشور مبدأ بسیار مهم‌تر از هزینه خرید آن با قیمت‌های یارانه‌ای است. این باعث سنجش بنیادی روش‌های طراحی ساختمان شده است».

<sup>۱</sup> Ronald McCaffer

<sup>۲</sup> Loughborough University

### جدول ۲. پرتوان

کل مصرف انرژی، تن معادل نفت، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، ۲۰۰۰-۲۰۰۰+

(و: واقعی ب: برآورد پ: پیش بینی)

کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰
بحرین	۸۶	۸۹	۹۳	۹۶	۹۸	۱۰۷	۱۳	۱۲	۱۲،۷	۱۳،۲	۱۳،۸	۱۴،۳	۱۴،۹	۱۵،۴	۱۶،۲	۱۶،۸	۱۷،۵	۱۸،۳	۱۹	۱۹،۹	۲۰،۷
کویت	۲۱،۶	۲۰،۹	۲۱	۲۲،۸	۲۳،۹	۲۷،۵	۲۶،۹	۲۸،۱	۲۹،۸	۳۰،۵	۳۱،۷	۳۳	۳۴،۳	۳۵،۶	۳۶،۹	۳۸،۴	۳۹،۹	۴۱،۴	۴۳	۴۴،۶	۴۶،۴
عمان	۸۶	۸۷	۹۱	۹۶	۹۶	۱۲،۳	۱۴،۱	۱۴،۵	۱۵،۳	۱۶،۱	۱۷،۱	۱۸،۱	۱۹،۲	۲۰،۳	۲۱،۵	۲۲،۸	۲۴،۲	۲۵،۷	۲۷،۲	۲۸،۸	۳۰،۶
قطر	۱۴۶	۱۱۳	۱۱۹	۱۳،۲	۱۵،۹	۱۹،۷	۲۱،۱	۲۳،۵	۲۶،۴	۲۹،۲	۳۵،۲	۴۱،۴	۴۵،۳	۴۸،۹	۵۲،۵	۵۹،۲	۵۶،۷	۷۲	۷۹،۱	۸۷،۱	۹۶،۳
عربستان	۱۱۴۶	۱۲۱،۳	۱۲۷،۱	۱۳۳،۹	۱۴۴،۲	۱۵۳،۲	۱۶۰،۱	۱۶۹	۱۷۸،۱	۱۹۸	۲۰۸،۸	۲۲۰،۵	۲۳۳	۲۴۶،۲	۲۶۰	۲۷۴،۵	۲۸۹	۳۰۶،۲	۳۳۳،۴	۳۴۱،۶	
امارات	۴۲،۵	۴۳،۱	۴۶،۸	۴۷،۷	۵۰،۳	۵۲،۴	۵۵،۹	۶۰،۵	۶۶،۳	۶۷	۷۰،۱	۷۳،۷	۷۷،۸	۸۲،۲	۸۷	۹۱،۷	۹۶،۷	۱۰۲،۲	۱۰۷،۹	۱۱۳،۹	۱۲۰،۲
کل شورا	۲۱۰،۴	۲۱۴،۳	۲۲۵،۳	۲۳۶،۱	۲۵۳،۸	۲۷۵،۸	۲۸۹،۶	۳۰۷،۶	۳۲۹،۶	۳۴۳،۹	۳۶۵،۸	۳۸۹،۳	۴۱۲	۴۳۵،۴	۴۶۰،۵	۴۸۸،۹	۵۱۸،۵	۵۴۹،۵	۵۸۲،۴	۶۱۷،۷	۶۵۵،۷

### جدول ۳. رشد در طول زمان

مصرف برق کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، ۲۰۰۰-۲۰۰۰+ (و: واقعی ب: برآورد پ: پیش بینی)

	۲۰۰۰	۲۰۰۲	۲۰۰۴	۲۰۰۶	۲۰۰۸	۲۰۱۰	۲۰۱۲	۲۰۱۴	۲۰۱۶	۲۰۱۸	۲۰۲۰
کل مصرف برق (گیگا وات ساعت)	۲۰۷۲۹۲،۵	۲۳۴۵۶۴،۲	۲۶۴۴۴۰،۳	۳۰۷۱۳۳،۹	۳۵۳۶۴۷،۶	۳۸۳۱۸۱،۸	۴۲۷۵۱۹،۲	۴۷۸۰۴۷،۷	۵۲۹۱۰۲،۵	۵۸۹۷۳۳،۷	۶۶۱۸۵۹،۴
درصد تغییر سالانه		۵،۹	۳،۵	۸	۸،۴	۵،۴	۵،۴	۵،۵	۵،۳	۵،۷	۶
سرانه مصرف برق (کیلو وات ساعت)	۶۹۹۹،۲	۷۴۱۴،۴	۷۸۵۴،۵	۸۴۲۴،۸	۸۹۶۷،۹	۹۳۰۷،۲	۹۷۷۱،۲	۱۰۲۴۲،۱	۱۰۷۷۱،۷	۱۱۴۱۸،۲	۱۲۲۰۱،۴
درصد تغییر سالانه		۲،۴	-۰،۱	۳،۹	۴،۵	۲،۵	۲،۲	۲،۱	۲،۶	۳،۱	۳،۴

تا اندازه‌ای این بیانگر بازگشت به ریشه‌های معماری منطقه است. در عصر پیش از کشف نفت، کشورهای حوزه خلیج فارس معماری را توسعه دادند که به طور طبیعی از ساختمان‌ها در برابر گرمای شدید محافظت می‌کرد. به عنوان مثال، بادگیرها، که با حرکت هوا دور یک ساختمان گرما را پخش می‌کنند، به عنوان نمونه‌ای اولیه از تهویه مطبوع مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

علاوه بر این، برخی کشورها از فناوری «تقاضای هوشمند»<sup>۲</sup> در شبکه‌های برق خود استفاده می‌کنند. همچنین تغییرات با مقیاس کوچک‌تری نیز وجود دارد از جمله هتل‌هایی که از کارت کلید برای راه اندازی سیستم روشنایی استفاده می‌کنند. ماری لومی<sup>۳</sup> محقق شورای همکاری خلیج فارس و تغییرات اقلیمی در مؤسسه امور بین‌الملل فنلاند<sup>۴</sup>، بیان می‌دارد «کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از روش‌های بهینه

<sup>1</sup> wind towers

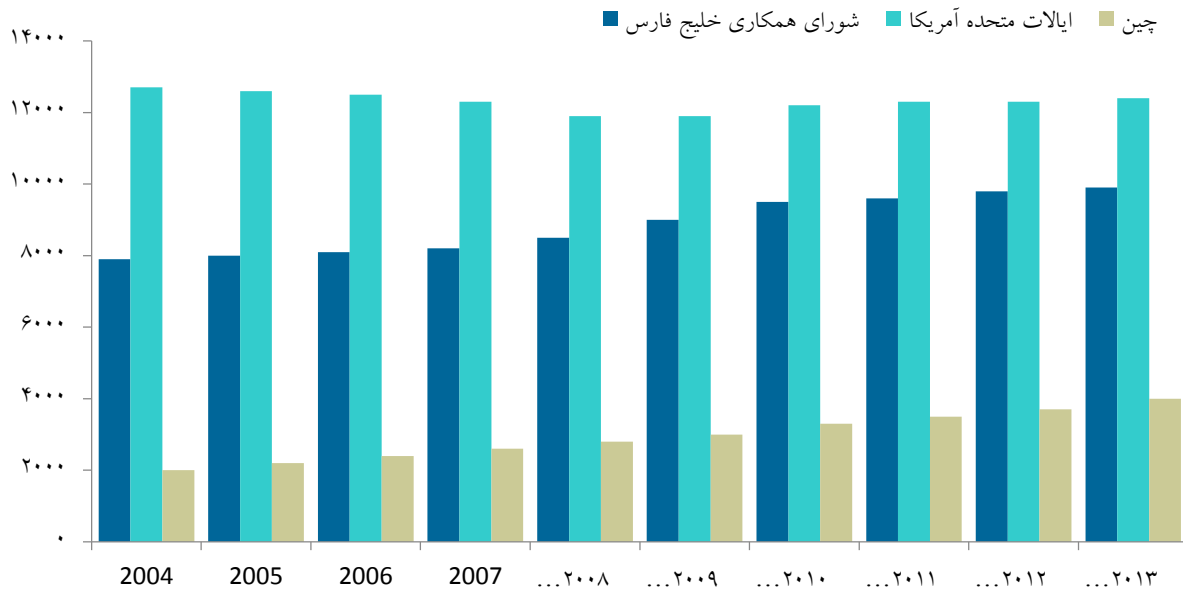
<sup>2</sup> smart demand

<sup>3</sup> Mari Luomi

<sup>4</sup> Finnish Institute of International Affairs

جهانی برای افزایش کارایی انرژی ساختمان‌ها از جمله نظام‌نامه (داوطلبانه) ساختمان پایدار<sup>۱</sup> تبعیت می‌کنند. وی اضافه می‌کند که با این وجود، هنوز سؤال‌ها و تردیدهایی در مورد چگونگی اجرای آنها وجود دارد».

در چشم انداز  
(سرانه مصرف برق؛ کیلو وات ساعت)



### برای سرمایه‌گذاری عظیم در فناوری خورشیدی و هسته‌ای برنامه‌ریزی شده است

موتورهای اصلی رشد تقاضای نفت در آسیا و به ویژه چین و هند هستند، به خصوص اگر این کشورها به پرداخت یارانه سوخت ادامه دهند. دیگر کاهش انتشار کربن و بهبود کارایی انرژی منحصر به غرب نیست. در واکنش به جنبش جهانی برای مهار انتشار گازهای گلخانه‌ای، تغییرات قابل توجهی در مقررات در چین، همراه با برزیل، آفریقای جنوبی و هند در کنار دیگر کشورها در حال انجام است.

این تغییرات، دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس را ترغیب به توسعه منابع انرژی تجدیدپذیر در کنار صادرات سوخت‌های فسیلی سستی خود می‌نماید. گرچه دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس در مورد اثرات تغییرات اقلیمی جهانی بر نفت و گاز نگران باقی خواهند ماند، اما همچنین به دنبال رویکردهای فعالانه‌تر برای رسیدگی به تغییرات اقلیمی از طریق تنظیم ترکیبی از انرژی هستند که آنها پیشنهاد می‌کنند. این راهبرد مشابه راهبردی است که توسط برخی از کشورهای عمده نفتی اتخاذ شده که به دنبال بازیابی جایگاه خود به عنوان تأمین‌کنندگان سوخت پاک هستند، حتی اگر کار اصلی آنها هنوز هم در حوزه هیدروکربن‌ها باشد. همچنین یک فشار بازاریابی برای تأکید به مشتریان به خصوص غربی وجود خواهد داشت که شورای همکاری خلیج فارس به نگرانی‌های آنها پاسخ می‌دهد، و برخی مفسرین نگران هستند که توجه بیشتری می‌تواند به تلقی‌ها به جای واقعیت‌ها شود.

<sup>1</sup> (voluntary) sustainable building codes



بر اساس اظهارات آقای صعب، تولیدکنندگان نفت حوزه خلیج فارس باید صدها میلیون دلار در سوخت‌های پاک‌تر سرمایه‌گذاری نمایند. وی بیان می‌دارد که «اگر آنها بتوانند نفت پاک‌تری تولید کنند، تقاضای بیشتری برای آن وجود خواهد داشت»، و یادآور می‌گردد که چین و ایالات متحده آمریکا سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در فناوری ذغال سنگ پاک انجام می‌دهند.

پتانسیل‌های قابل توجهی برای سرمایه‌گذاری جدید در فناوری‌های سوخت پاک‌تر در شورای همکاری خلیج فارس وجود دارد که از آن جمله، سرمایه‌گذاری در گوگرد زدایی<sup>۱</sup> است. استاد لوچیان از مرکز تحقیقات خلیج فارس معتقد است که تولیدکنندگان شورای همکاری خلیج فارس در موقعیت مناسبی برای توسعه فناوری جذب و جداسازی کربن قرار دارند، زیرا آنها زمین و منابع سرمایه‌ای مورد نیاز برای این نوع از سرمایه‌گذاری را در اختیار دارند. چنین سرمایه‌گذاری‌هایی می‌تواند بسیار بیشتر شود، اگر سازمان ملل پس از انقضای پیمان کیوتو<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۲ انگیزه‌هایی را برای فناوری جذب و جداسازی کربن ایجاد نماید.

با این حال، تمرکز اصلی سرمایه‌گذاری در سوخت‌های جایگزین بر انرژی خورشیدی و هسته‌ای است. آقای نیکولوپولوس از مرکز تغییرات اقلیمی بر این باور است که شورای همکاری خلیج فارس در وضعیت مطلوبی برای توسعه انرژی خورشیدی قرار دارد. وی توضیح می‌دهد که «با توجه به اینکه قیمت هیدروکربن‌ها هنوز هم خیلی بالا است، تأمین مالی انرژی خورشیدی منطقی‌تر به نظر می‌رسد؛ استفاده از انرژی خورشیدی برای اقتصادهای داخلی، بخشی زیادی از نفت و گاز را برای صادرات باقی می‌گذارد». او پیش‌بینی می‌کند که فناوری پاک سرمایه‌گذاری فزاینده‌ای را در سال‌های پیش رو، عمدتاً از آمریکای شمالی و منابع اروپایی، جذب خواهد نمود. «تنها وجوه اندکی در منطقه برای سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پاک و سوخت‌های تجدیدپذیر اختصاص داده شده است. پول‌های عربی به طور فزاینده‌ای به دنبال این فرصت‌ها خواهند بود».

یک پروژه هسته‌ای در شورای همکاری خلیج فارس طرح شده است، اما توسعه‌های اخیر بیان می‌دارد که این پروژه احتمالاً به صورت انفرادی توسط یک یا دو کشور پیگیری می‌گردد. با توجه به هزینه سرمایه‌ای ابتدایی قابل توجه و استعدادهای طبیعی موجود متفاوت، انرژی هسته‌ای از جذابیت یکسانی برای تمام کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برخوردار نیست.

ورای آن، یک تلاش در حال تکوین برای توسعه منابع سوخت بیولوژیک<sup>۳</sup> به خصوص برای صنعت هوانوردی وجود دارد. اتحادیه بین‌المللی حمل و نقل هوایی<sup>۴</sup> می‌گوید که تا سال ۲۰۱۷ باید ۱۰ درصد از سوخت شرکت‌های هواپیمایی از محل منابع انرژی‌های جایگزین به خصوص سوخت بیولوژیک تأمین

<sup>۱</sup> desulphurisation

<sup>۲</sup> Kyoto Protocol

<sup>۳</sup> biofuel

<sup>۴</sup> International Air Transport Association

گردد؛ از آنجایی که شورای همکاری خلیج فارس به دنبال توسعه صنعت هوانوردی و نقش خود به عنوان یک هاب گردشگری است، رسیدگی به این نگرانی‌های می‌تواند برای شرکت‌های هواپیمایی منطقه، ارزشمند باشد. بنابراین به عنوان مثال، شرکت هواپیمایی اتحاد<sup>۱</sup> امارات متحده عربی با شرکت بوئینگ<sup>۲</sup> بر این موضوع تحقیق می‌کند که آیا می‌توان از گیاهانی که در جنگل‌های مانگرو در حومه ابوظبی رشد می‌نمایند به عنوان ماده اولیه سوخت بیولوژیک استفاده نمود. به طور مشابه، قطر ایرویز<sup>۳</sup> برنامه‌هایی را برای مشارکت با ایرباس<sup>۴</sup>، پارک علم و فناوری قطر<sup>۵</sup> و قطر پترولیوم<sup>۶</sup> جهت توسعه سوخت‌های بیولوژیک اعلام نموده است.

علیرغم چنین تدابیر و آزمایش‌های خیره‌کننده‌ای، با توجه به زمان طولانی و هزینه‌های راه‌اندازی بالای پروژه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر، بعید به نظر می‌رسد که این نوع از سوخت‌ها سهم قابل توجهی در سبد انرژی شورای همکاری خلیج فارس تا سال ۲۰۲۰ داشته باشند. سرمایه‌گذاری‌ها در خلال این دوره سرعت می‌یابند و این تا حد زیادی به نتایج مذاکرات درخصوص چارچوب پس از پیمان کیوتو بستگی دارد. تجربه هوانوردی نشان می‌دهد که مقررات و هنجارهای بین‌المللی، محرک‌های مهمی برای نوآوری و سرمایه‌گذاری هستند.

چنین سرمایه‌گذاری‌هایی همچنین به تنوع اقتصادی و ایجاد اشتغال نیز کمک می‌کند. با توجه به میل شورای همکاری خلیج فارس به تنوع بخشی به اقتصاد و ایجاد اشتغال، دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس مشتاق توسعه تولید داخلی تجهیزات و نهایتاً فناوری برای تولید انرژی تجدیدپذیر هستند. مؤسسات تحقیقاتی متعدد از جمله مؤسسه علم و فناوری مصدر<sup>۷</sup> و دانشگاه علم و فناوری ملک عبدالله<sup>۸</sup>، پروژه‌های تحقیق و توسعه را در مورد انرژی پاک و انرژی‌های جایگزین آغاز نموده‌اند.

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس منابع قابل توجهی برای چنین پروژه‌هایی دارند که حاصل رونق نفتی اخیر است. خانم لان از مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل<sup>۹</sup> یادآور می‌شود که «به طور کلی، این برنامه‌ها بر دولت و سرمایه‌گذاری‌های صندوق ثروت ملی<sup>۱۰</sup> و بر مداخله برای تغییر چارچوب قیمت‌ها استوار است که از لحاظ سیاسی بسیار حساس است». «به نظر نمی‌آید که در حال حاضر آنها به خودی خود به وجود آیند». با این وجود، او یک اراده سیاسی برای ترویج چنین پروژه‌هایی را مشاهده می‌کند: «نسل جدید سیاست‌گذاران شورای همکاری خلیج فارس با ایده‌های کاملاً متفاوت درباره جهت‌گیری اقتصاد، در حال

<sup>1</sup> Etihad Airlines

<sup>2</sup> Boeing

<sup>3</sup> Qatar Airways

<sup>4</sup> Airbus

<sup>5</sup> Qatar Science and Technology Park

<sup>6</sup> Qatar Petroleum

<sup>7</sup> Masdar Institute of Science and Technology

<sup>8</sup> King Abdullah University of Science and Technology

<sup>9</sup> Royal Institute of International Affairs

<sup>10</sup> wealth fund investments

ظهور است. این ترکیبی از جمعیت جوان تحصیل کرده و رهبران با تجربه‌تر است که به دنبال ترک میراث قدیمی هستند».

### مواد معدنی: مرز جدید

در کنار سرمایه‌گذاری‌ها در انرژی، سرمایه‌گذاری بیشتری نیز در اکتشاف مواد معدنی غیرنفتی - صنعتی سودآور و البته آب‌بر- در سال‌های پیش رو انجام خواهد شد. مواد معدنی یافت شده در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس شامل طلا، نقره، سنگ آهن، مس و بوکسیت است. برخی از ذخایر معدنی مانند منیزیم که پس از نمک‌زدایی آب دریا رها شده بودند، بازیافت شده‌اند. به طور تاریخی، بهره‌برداری از ثروت معدنی منطقه پایین‌تر از ظرفیت آن بوده است، زیرا این منطقه بیشتر متمرکز بر توسعه منابع نفت و گاز است. اما این در نتیجه تحرکات معطوف به تنوع اقتصادی و ایجاد اشتغال، در حال تغییر است. سرمایه‌گذاری در توسعه مواد معدنی در حال افزایش است و شرکت‌های خارجی نیز در آن نقش دارند.

نیک کارتر<sup>۱</sup> رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت توسعه آمریکایی عربی<sup>۲</sup>، یک شرکت معدنی و پتروشیمیایی با پروژه‌هایی در ایالات متحده و عربستان سعودی، بیان می‌دارد که «شورای همکاری خلیج فارس دارای ذخایر معدنی عظیم استفاده نشده از تمام انواع است که با سرمایه‌گذاری می‌تواند به یک صنعت بنیادی تبدیل شود». بر اساس اظهارات این اسکاتلند<sup>۳</sup> مدیرعامل شرکت منابع سیتادل<sup>۴</sup>، یک شرکت معدنی مستقر در استرالیا، اگر دولت‌ها قوانینی را وضع کنند که با اعطای مجوزهای اکتشاف و استخراج معدن، به سرمایه‌گذاری‌های خارجی اجازه ورود به بخش معدن را بدهد، رشد بسیار سریع‌تر خواهد بود. خانم اسکاتلند خاطر نشان می‌سازند که «ریسک‌های اصلی، توانایی جذب سرمایه‌گذاری خارجی است». «سرمایه‌گذاری در اکتشاف، با ریسک همراه است و شما به شرکت‌هایی نیاز دارید که آمادگی پذیرش این ریسک را داشته و با توانایی‌های فنی خود بتوانند این ریسک‌ها را مدیریت کنند». خانم اسکاتلند همچنین یادآور می‌شوند که چارچوب قانونی سرمایه‌گذاری در بخش معدن تا حد زیادی آزمایش نشده است و این باعث می‌شود که بنگاه‌های خارجی برای ورود منابع خود در این عرصه با احتیاط برخورد می‌کنند.

حداقل در ابتدا، اکثر مواد معدنی به صورت خام صادر خواهند شد. با این حال، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به توسعه صنایع متالورژی موجود همچون آلومینیوم و گداخت مس ادامه خواهند داد. این کشورها همچنین در دیگر صنایع مبتنی بر مواد معدنی به عنوان بخشی از تلاش‌های تنوع بخشی به اقتصاد خود سرمایه‌گذاری می‌کنند. به عنوان مثال، یک «خط آهن معدنی» در عربستان سعودی برای ایجاد ارتباط معادن به تأسیسات فراوری، ساخته خواهد شد. آقای کارتر بیان می‌دارند که «اکثر مواد معدنی برای صادرات

<sup>1</sup> Nick Carter

<sup>2</sup> American Arabian Development Company

<sup>3</sup> Ines Scotland

<sup>4</sup> Citadel Resources

مورد استفاده قرار می‌گیرند و زیرساخت‌های کافی برای فراوری این مواد در منطقه وجود ندارد». او اضافه می‌کند که در طول زمان، «همانند توسعه صنعت پتروشیمی»، صنایع جدید، تولید مواد معدنی بیشتری را به صورت داخلی انجام خواهند داد. او معتقد است ابتدا صنعت ذوب و به دنبال آن نورد و در انتها کارخانه‌های تولیدی توسعه می‌یابند که از مواد نهایی استفاده می‌کنند.

مانند بخش هیدروکربن، بخش معدن نیز در برابر تغییرات در قیمت‌های بین‌المللی آسیب‌پذیر است. با این حال، در طرف مثبت، شدت کاربری<sup>۱</sup> این بخش در مقایسه با استخراج نفت و گاز است. خانم اسکاتلند از سیتادل بیان می‌دارد که «به ازای هر شغل ایجاد شده در بخش معدن، هفت شغل دیگر به صورت غیرمستقیم ایجاد می‌گردد». آقای کارتر از شرکت توسعه آمریکایی عربی خاطر نشان می‌سازد که «فرایندهای نوین معدنی، قابلیت فراهم کردن فرصت‌های شغلی بلندمدت بسیار مناسب (هم در تولید و هم در مدیریت) را برای جمعیت محلی دارند».

وی بیان می‌دارد که قابلیت دسترسی به مدیریت محلی برای بنگاه‌های معدنی، محدود است، زیرا این یک صنعت جدید است و اکثر کارکنان باتجربه در استخدام دولت‌ها هستند. وی اظهار می‌دارد که «[تجربه دولت] لزوماً برای فعالیت‌های بخش خصوصی مناسب نیست، جایی که سرمایه و پشتیبانی ممکن است محدود باشد و محدودیت‌های زمانی مشخصی نیز وجود دارد». «از سوی دیگر، مدیریت محلی برای هدایت دورنمای سیاسی و فرهنگی، حائز اهمیت است». ایجاد تخصص محلی و جذب کارشناسان بین‌المللی به بخش توسعه نیافته معدنی شورای همکاری خلیج فارس، چندین سال زمان می‌برد، اما نتیجه آن بسیار ارزشمند است.

<sup>۱</sup> labour intensity

## بخش ۲: آب

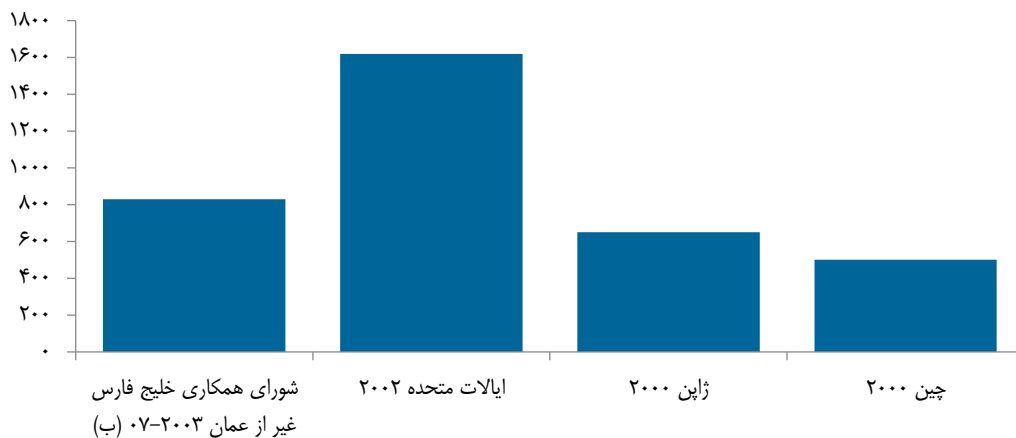
### تقاضای آب در حال پیشی گرفتن از عرضه آن است

برخلاف انرژی، آب یک منبع بسیار کمیاب در شورای همکاری خلیج فارس است؛ در واقع این منطقه یکی از کم آب ترین مناطق جهان است. با منابع آب های زیرزمینی بسیار محدود و همچنین ته کشیدن آب های زیرزمینی به دلیل استفاده بیش از حد، شورای همکاری خلیج فارس با کمبود احتمالی آب مواجه است. پس از یک تنفس موقت در سال ۲۰۰۹-۱۰ به دلیل رکود اقتصادی، ریسک کمبود آب احتمالاً دوباره بروز می کند. با توجه به اینکه طبقه متوسط در حال گسترش در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس الگوی زندگی با شدت آب بری بیشتری را اقتباس می کنند که از خصوصیات آن، استخرهای شنای خصوصی، باغ های بزرگ با سیستم های آبیاری عظیم، و حتی علاقه فزاینده به گلف است، ده سال آینده شاهد افزایش تقاضای آب خواهد بود. در طی دهه آینده، این کشورها در میان کشورهای با بیشترین سرانه مصرف آب در جهان خواهند بود.

یکی از موضوعات اصلی این است که حجم زیادی از آب منطقه به بخش کشاورزی اختصاص می یابد، بخشی که کمتر از ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را تأمین می کند. آب مصنوعی ارزان، امکان توسعه محصولات آب بر را در منطقه ای فراهم کرده که مزیت طبیعی در تولید این محصولات ندارد، اما دولت ها یارانه های سخاوتمندانه ای را برای تضمین تأمین مواد غذایی آینده پرداخت می کنند. چند کشور محدود از شورای همکاری خلیج فارس در حال شروع به تغییر این سیاست به عنوان مثال از طریق خروج محصولات آب بر یا محدود کردن استفاده از زمین برای کشاورزی هستند، اما در دهه آینده فشار برای انجام این کار بسیار بیشتر خواهد بود.

تشنه

(میانگین مصرف سرانه آب در شورای همکاری خلیج فارس و مناطق دیگر؛ متر مکعب در سال) (الف)

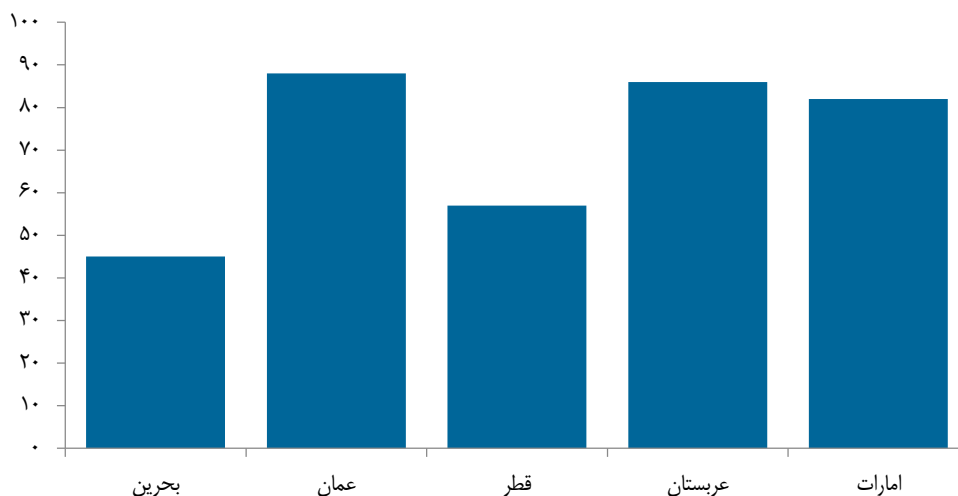


الف: داده های عمان در دسترس نیست.

ب: داده های آب بسیار کمیاب است. همان طور که ملاحظه می شود، ارقام مربوط به سال های مختلف است.

### مزروعی

(استفاده کشاورزی از آب در شورای همکاری خلیج فارس به عنوان درصدی از کل مصرف ۰۷-۲۰۰۳)



تقاضای صنعتی آب احتمالاً با سرعت بیشتری نسبت به کل رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. جرارد ولتر<sup>۱</sup> مدیر عامل شرکت آب و تولیا برای آفریقا، خاورمیانه و هند<sup>۲</sup> ضمن اشاره به افزایش نسبت آب مورد نیاز برای هر بشکه نفت یا هر متر مکعب گاز، بیان می‌دارد که «قبل از اینکه سوخت‌های فسیلی جهان نهایتاً به پایان برسد، احتمالاً استخراج آنها به میزان غیر قابل تصویری از آب نیاز خواهد داشت». «علاوه بر انتقادات وارده به دلیل ایجاد گازهای گلخانه‌ای، بخش نفت با شکایاتی در مورد استفاده از آب مواجه می‌گردد، مگر اینکه در آینده راه مشترک دیگری کشف نماید». صنایع انرژی‌بر فراوری و بهره‌برداری از معادن نیز که به عنوان بخشی از تلاش‌های مربوط به تنوع بخشی به اقتصاد، توسعه یافته‌اند، آب بر هستند.

به طور منطقه‌ای، ترکیبی از افزایش دما و گسترش جمعیت متضمن این است که آب در خاورمیانه به طور فزاینده‌ای کمیاب خواهد شد و نگرانی‌هایی را در مورد امکان منازعات حول آب در بلندمدت به وجود می‌آورد. برخی از کشورهای کمتر برخوردار در منطقه، در حال حاضر با جدیت بیشتری به دنبال راهبردهای مدیریت تقاضای آب به خصوص در بخش کشاورزی از طریق استفاده از آبیاری قطره‌ای هستند. در بلندمدت‌تر، نگرانی‌هایی وجود دارد که افزایش شوری آب خلیج فارس باعث دشوارتر و پرهزینه‌تر شدن نمک‌زدایی آن گردد. آب خلیج فارس در حال حاضر هم بسیار شور است، زیرا گرمای هوا باعث بالا بودن نرخ تبخیر آن می‌گردد. همچنین نگرانی‌هایی در مورد آلودگی آب به واسطه صنایع ساحلی و فاضلاب وجود دارد.

<sup>1</sup> Gérard Velter

<sup>2</sup> Veolia Water for Africa, Middle East and India

#### جدول ۴. بلعیدن آن

پیش‌بینی تقاضای آب در کشورهای منتخب شورای همکاری خلیج فارس، میلیون گالن انگلیسی، ۲۰۰۰-۲۰۲۰

کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۲	۲۰۰۴	۲۰۰۶	۲۰۰۸	۲۰۱۰	۲۰۱۲	۲۰۱۴	۲۰۱۶	۲۰۱۸	۲۰۲۰
عربستان	۱۷۰۴۷۶	۱۸۸۶۰۴	۲۱۶۲۰۵	۲۲۵۴۷۹	۲۴۰۲۰۶	۲۴۶۰۶۵	۲۶۶۶۵۶	۲۹۰۰۸۱	۳۱۵۵۶۴	۳۴۳۲۸۶	۳۷۳۴۴۴
بحرین	۲۷۹۳۰	۳۰۳۸۷	۳۳۸۷۷	۳۶۶۶۴	۴۳۱۸۱	۴۳۱۸۱	۴۳۱۸۱	۴۳۱۸۱	۴۳۱۸۱	۴۳۱۸۱	۴۳۱۸۱
قطر	۳۲۳۰۳	۳۴۸۴۳	۳۴۹۱۸	۳۶۱۱۶	۴۸۶۴۳	۵۶۲۲۲	۵۶۱۱۱	۷۵۴۰۶	۸۴۲۰۶	۹۴۱۱۶	۱۰۴۷۸۰
دوبی	۴۱۳۵۴	۴۹۰۸۱	۵۸۳۵۷	۷۲۵۸۸	۹۱۶۵۳	۹۸۱۷۸	۱۰۸۹۶۴	۱۲۳۳۵۵	۱۳۳۳۶۱	۱۴۳۹۷۰	۱۵۵۱۰۹

منابع: شرکت تبدیل آب شور<sup>۱</sup> (عربستان سعودی)؛ شرکت آب و برق<sup>۲</sup> (بحرین)؛ مرکز آمار قطر<sup>۳</sup>؛ شرکت آب و برق دوبی<sup>۴</sup>، برآوردها و پیش‌بینی‌های امارات متحده عربی

#### حفظ منابع طبیعی از نظر سیاسی دشوار است اما فرصت‌هایی را برای توسعه ارائه می‌کند

برای تأمین تقاضای رو به رشد، این منطقه وابستگی زیادی به نمک‌زدایی آب خواهد داشت که گران و انرژی‌بر است. گستره‌های زیادی وجود دارد که می‌توان کارایی آب را در اقتصادها افزایش داد. در حال حاضر، ناکارایی‌های قابل توجهی در زنجیره تولید، توزیع و مصرف وجود دارد که با تولید انرژی‌بر آغاز شده و با مصرف ناکارایی آب به پایان می‌رسد.

با این حال، مصرف‌کنندگان انگیزه‌های کمی برای تبدیل آب دارند، زیرا دولت‌ها اکثر هزینه‌های نمک‌زدایی را متقبل می‌شوند. رامی گاندور<sup>۵</sup> مدیر عامل شرکت متیتو<sup>۶</sup> که تأمین‌کننده سیستم‌های آب و فاضلاب است، بیان می‌دارد که «جمعیت شورای همکاری خلیج فارس می‌تواند از عهده پرداخت نرخ بازار برآید»، اما وی اضافه می‌کند که البته این بستگی به سیاست دارد. پوشش‌های آگاهی بخشی عمومی به نظر می‌آید که اثر کمی داشته باشند، مگر اینکه با تغییراتی در مقررات یا قیمت‌گذاری‌ها همراه باشد. اما مهار یارانه‌ها که به طور گسترده‌ای به عنوان یک حق اقتصادی پنداشته می‌شوند، بسیار دشوار است. برخی بر این اعتقاد هستند که تغییر قیمت‌های بازاری آب دشوارتر از تغییر قیمت برق است، زیرا آب یک نیاز اساسی بشر است.

با این حال، کمبود آب فرصت‌هایی را برای توسعه فناوری‌ها و صنایع جدید تأمین آب فراهم می‌کند. آقای گاندور نیاز فوری به تسریع سرمایه‌گذاری‌ها در پروژه‌های آب را مشاهده می‌کند که به دلفریبی پروژه‌های عظیم و شگرف ساختمانی در حوزه خلیج فارس در سال‌های اخیر در نظر گرفته نمی‌شوند. از دیدگاه یک سرمایه‌گذار خارجی، اثر رکود جهانی بر برخی از بازارهای پربازده‌تر به خصوص مستغلات، جایی که تقاضای آتی تضمین شده باشد، می‌تواند جذب سرمایه‌گذاری در آب و انرژی را برجسته نماید.

<sup>1</sup> Saline Water Conversion Corp

<sup>2</sup> Electricity and Water Authority

<sup>3</sup> Qatar Statistics Authority

<sup>4</sup> Dubai Water and Electricity Authority

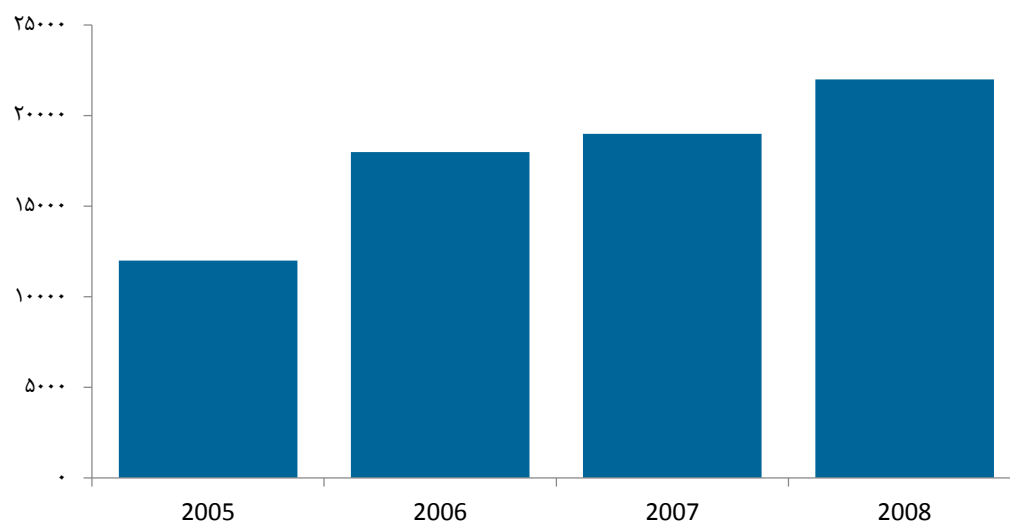
<sup>5</sup> Rami Ghandour

<sup>6</sup> Metito

آقای صعب بحث می‌کند که منطقه‌ای که به سختی وابسته به آب نمک‌زدایی شده باشد، باید ابزارها و نهایتاً فناوری را به طور داخلی تولید کند. او معتقد است که با توجه به اینکه انرژی خورشیدی و آب دریا به وفور وجود دارد، عرصه زیادی برای توسعه فناوری جدید نمک‌زدایی در حوزه خلیج فارس وجود دارد. امکان پمپ و انتقال آب دریا به مخازن زیرزمینی در صحرا و شروع فرایند نمک‌زدایی از طریق فیلتر کردن آب توسط شن‌ها و زدودن قسمت عمده نمک قبل از رسیدن به تأسیسات نمک‌زدایی وجود دارد. نهایتاً وی امیدوار است که «رکود اقتصادی می‌تواند منطقه خلیج فارس را ترغیب به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدتی نماید که به آنها در فناوری و ایجاد شغل در حوزه‌هایی همچون ساختمان‌های سبز، انرژی‌های تجدیدپذیر، فناوری آب و تنوع زیستی کمک نماید».

#### بدون نمک در عمان

(میلیون گالن انگلیسی خریداری شده توسط شرکت خدمات انرژی و آب عمان از تأسیسات نمک‌زدایی)



#### خط مشی انرژی بر گسترش ظرفیت نمک‌زدایی اثرگذار خواهد بود

اقتصادهای شورای همکاری خلیج فارس بیش از ۴۰ درصد از ظرفیت نمک‌زدایی جهان را در اختیار دارند و غالب این ظرفیت نیز انرژی بر است. برای تأمین تقاضا، دولت‌ها به ساخت تأسیسات جدید نمک‌زدایی ادامه می‌دهند. از آنجایی که این تأسیسات با سوخت‌های فسیلی کار می‌کنند، تلاش برای تأمین انرژی، تنوع‌بخشی به منابع سوخت و بهبود کارایی انرژی، اثر زیادی بر تأمین آب خواهد داشت.

آقای نیکولوپولوس می‌گوید که «تنها این نیست که نمک‌زدایی یک فرایند انرژی بر است، بلکه اتلاف انرژی نیز در آن زیاد است». اکثر تأسیسات نمک‌زدایی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از منابع گرمایی و عمدتاً گاز طبیعی استفاده می‌کنند. سرمایه‌گذاری قابل توجهی در تأسیسات دو منظوره تولید همزمان<sup>۱</sup> صورت می‌گیرد که هم برق و هم آب نمک‌زدایی شده را از طریق یک سیکل ترکیبی ترمودینامیک

<sup>۱</sup> co-generation



تولید می‌کنند و بسیار کاراتر از فرایندهای تولید مجزا هستند. اینها اقدامات ترغیب کننده هستند اما هنوز هم جای زیادی برای ذخیره بیشتر انرژی در فرایند نمک‌زدایی وجود دارد.

### بخش ۳: مواد غذایی

#### اوج قیمت مواد غذایی در سال ۲۰۰۸ پیامدهای سیاستی قوی به همراه داشت

شورای همکاری خلیج فارس به عنوان یک منطقه واردکننده مواد غذایی، در برابر نوسانات قیمت جهانی مواد غذایی مانند آنچه در سال ۲۰۰۸ رخ داد، آسیب پذیر است. آن افزایش قیمت اثری قوی بر سیاست غذا و کشاورزی منطقه داشت و اثر آن در دهه آینده نیز ادامه خواهد داشت. جمعیت در حال رشد شورای همکاری خلیج فارس به معنای افزایش وابستگی این منطقه به مواد غذایی وارداتی است. پیش‌بینی شده که واردات مواد غذایی تا سال ۲۰۲۰ به ۵۳ میلیون دلار آمریکا یا ۸ درصد ارزش کل واردات، رشد نماید. تضمین امکان واردات مواد غذایی با قیمت منطقی، یک اولویت راهبردی برای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است.

وابستگی این منطقه به آب نمک‌زدایی شده بدین معنا است که در بلندمدت، تأمین بیشتر نیاز غذایی منطقه از طریق تولید داخلی نمی‌تواند یکی از گزینه‌ها باشد، گرچه برخی از دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس به اعطای یارانه کشاورزی داخلی به عنوان بخشی از راهبرد امنیت غذایی خود و همچنین حمایت از خانوارهای باقی‌مانده روستایی ادامه می‌دهند. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس احتمالاً تولید داخلی ماهی، لبنیات و محصولات با نیاز آبی کمتر مانند خرما را حفظ می‌کنند. همچنین فضا برای رشد بخش صنایع تکمیلی کشاورزی که در حال حاضر هم یک بخش نسبتاً قوی است، با پتانسیل افزایش صادرات به بازارهای در حال رشد همسایه مانند ترکیه و عراق نیز مهیا است. این به نوبه خود می‌تواند منجر به افزایش واردات مواد خامی همچون شکر و کاکائو برای استفاده در تولید مواد غذایی فراوری شده مانند انواع شیرینی گردد.

#### جدول ۵. گرسنه

واردات مواد غذایی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، میلیارد دلار آمریکا، ۲۰۰۷-۲۰۲۰

کشور	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰
بحرین	۰,۵	۰,۷	۰,۷	۰,۷	۰,۸	۰,۸	۰,۹	۱	۱,۱	۱,۲	۱,۳	۱,۴	۱,۵	۱,۶
کویت	۱,۷	۲,۳	۲,۲	۲,۳	۲,۵	۲,۷	۳	۳,۴	۳,۶	۳,۹	۴,۲	۴,۶	۴,۹	۵,۳
عمان	۱,۳	۲,۱	۱,۷	۲,۱	۲,۱	۲,۳	۲,۴	۲,۹	۳,۳	۳,۱	۳,۵	۳,۹	۴,۳	۴,۸
قطر	۰,۹	۱,۴	۱,۲	۱,۳	۱,۳	۱,۴	۱,۶	۱,۹	۲,۱	۲,۳	۲,۵	۲,۸	۳,۱	۳,۳
عربستان	۱۲,۰	۱۶,۷	۱۵,۹	۱۶,۸	۱۷,۹	۱۹,۰	۲۰,۳	۲۱,۷	۲۴,۵	۲۷,۲	۲۹,۰	۳۰,۹	۳۳,۰	۳۵,۲
امارات	۲,۶	۳,۸	۳,۴	۳,۶	۳,۸	۴,۱	۴,۴	۵,۱	۵,۵	۶,۱	۶,۶	۷,۲	۷,۸	۸,۴
کل شورا	۱۸,۱	۲۵,۷	۲۴,۱	۲۵,۸	۲۷,۵	۲۷,۲	۲۹,۵	۳۳,۷	۳۶,۳	۳۹,۶	۴۲,۶	۴۵,۹	۴۹,۳	۵۳,۱

منبع: واحد اطلاعات اکنومیست

صعود قیمت مواد غذایی در سال ۲۰۰۸ شوکی بود که باعث تردید واردکنندگان مواد غذایی نسبت به کارکرد بازار بین‌المللی مواد غذایی گردید. زمانی که قیمت‌های مواد غذایی به دلیل عدم تطابق عرضه و تقاضا و سرمایه‌گذاری سفته‌بازی، به اوج خود رسید، ترس از کمبود باعث شد برخی از کشورهای تولیدکننده، صادرات مواد غذایی را ممنوع کنند. روث مینزن دیک<sup>۱</sup> پژوهشگر ارشد مؤسسه بین‌المللی تحقیقات سیاست غذایی<sup>۲</sup> گزارش می‌دهد که «تعدادی از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس زمانی که قیمت‌ها رشد کرد در بازار مواد غذایی بودند و برخی از کشورهای صادرکننده، ممنوعیت‌های صادراتی به خصوص برای برنج تعیین کرده بودند که اینها باعث ایجاد ناآرامی شده بود که حتی اگر هم می‌توانستند از عهده آن برآیند، اما نمی‌توانستند جلوی ناآرامی‌ها را به طور کامل بگیرند». این ناآرامی احتمالاً بر سیاست غذایی شورای همکاری خلیج فارس در سال‌های پیش‌رو اثرگذار است.

در پی بحران قیمت مواد غذایی، هم دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس و هم سرمایه‌گذاران خصوصی در منطقه در حال مطالعه و بررسی شیوه‌های دیگر تضمین واردات مواد غذایی از طریق کنترل منبع عرضه هستند. راهبردهای اصلی، خرید یا اجاره بلندمدت زمین در کشورهای در حال توسعه، برای استفاده به منظور کشاورزی صادرات محور است. اگر میانگین قیمت نفت در دهه آینده بشکافد ۷۰ دلار آمریکا باشد، مازاد حساب جاری انباشته شورای همکاری خلیج فارس تا سال ۲۰۲۰ به حدود ۲۴۰ میلیارد دلار آمریکا می‌رسد. اگر تنها ۵ درصد از این رقم سالانه در پروژه‌های بخش کشاورزی سرمایه‌گذاری شود، سالانه ۱۰/۶ میلیارد دلار - دو برابر تولید ناخالص داخلی سالانه رواندا - و در مجموع ۱۰۶/۱ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری حاصل خواهد شد. آفریقای زیر صحرای ۱۸ کشور است که تولید ناخالص داخلی سالانه هر یک از آنها کمتر از ۱۰/۶ میلیارد دلار است.

ابزارهای مختلف سرمایه‌گذاری شورای همکاری خلیج فارس برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری کشاورزی مورد استفاده قرار خواهد گرفت که از آن جمله، صندوق ثروت ملی - وجوه عمومی که به طور خاص برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ترتیب داده شده‌اند - و صندوق‌های سهام خصوصی<sup>۳</sup> است، در حالی که شرکت‌های دولتی کشاورزی یا مواد غذایی نیز ممکن است مستقیماً سرمایه‌گذاری نمایند. پروژه‌های کشاورزی تحت مالکیت شورای همکاری خلیج فارس در حال حاضر در آفریقای شمالی، آفریقای زیر صحرای، آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و اروپای شرقی از جمله سودان، کنیا، پاکستان، اندونزی و دیگر نقاط قرار دارد، یا اینکه برای فعالیت در این مناطق مذاکرات مربوطه صورت گرفته است. شرکت‌های دولتی که در این حوزه در حال فعالیت بوده یا می‌خواهند وارد آن شوند عبارتند از: شرکت سعودی سرمایه‌گذاری

<sup>۱</sup> Ruth Meinzen-Dick

<sup>۲</sup> International Food Policy Research Institute

<sup>۳</sup> private equity funds

کشاورزی و تولید محصولات دامی<sup>۱</sup> که توسط صندوق سرمایه‌گذاری عمومی دولت سعودی<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۹ تأسیس شده؛ شرکت صنایع غذایی حصاد<sup>۳</sup> قطر و شرکت ساختمانی الدیار القطریه<sup>۴</sup>؛ شرکت دولتی سرمایه‌گذاری کویت چین<sup>۵</sup>؛ و هلدینگ نیمه دولتی انرژی معدنی<sup>۶</sup> امارات متحده عربی. در بخش خصوصی، شرکت‌های متعدد سعودی یک کنسرسیوم تحت عنوان جنت<sup>۷</sup> برای سرمایه‌گذاری کشاورزی خارج از کشور تشکیل داده‌اند. شرکت‌های سعودی شامل شرکت توسعه کشاورزی حیل<sup>۸</sup> و شرکت ملی توسعه کشاورزی<sup>۹</sup> هستند که پروژه‌هایی را در سودان اعلام نموده‌اند.

شورای همکاری خلیج فارس در برنامه‌ریزی چنین سرمایه‌گذاری‌هایی تنها نخواهد بود. این شورا با رقابت از جانب سرمایه‌گذاران خصوصی کشاورزی کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۱۰</sup> و همچنین حضور فزاینده هند، چین و کره جنوبی مواجه خواهد بود. خانم مینزن دیک بیان می‌دارد که «سرمایه‌گذاران اروپایی عمدتاً بر سوخت‌های بیولوژیک متمرکز هستند، اما چون زمین و محصولات کشاورزی مورد استفاده آنها می‌تواند برای مواد غذایی نیز به کار گرفته شود، رقابت ایجاد می‌کنند».

### مناقشات سیاسی در پی تصمیم برای سرمایه‌گذاری کشاورزی در خارج از کشور رخ می‌دهد

سیاست‌های دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس که بر تضمین امنیت غذایی حوزه خلیج فارس تمرکز دارند، اشاره به این دارند که این سرمایه‌گذاری‌ها متناوباً با الزامات غذایی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس هستند. با این حال، برخی از شرکت‌های خصوصی و حتی برخی صندوق‌های ثروت ملی ممکن است بر سرمایه‌گذاری‌های کشاورزی طراحی شده برای حداکثر سازی سود در بازارهای جهانی تمرکز نمایند. این سرمایه‌گذاری‌ها مستلزم راهبردهای کاملاً متفاوتی هستند. برای امنیت غذایی، هدف اصلی، تأمین باثبات واردات به شورای همکاری خلیج فارس با قیمت‌های منطقی است. برای حداکثر سازی سود، هدف اصلی، قیمت‌های بالا است، در حالی که انتخاب بازار نهایی از اهمیت کمتری برخوردار است. ریسک‌های سیاسی قابل توجهی با هر دو رویکرد همراه است و این بستگی به نحوه مدیریت آنها دارد.

<sup>۱</sup> Saudi Company for Agricultural Investment and Animal Production

<sup>۲</sup> Saudi government's Public Investment Fund

<sup>۳</sup> Hassad Food

<sup>۴</sup> Qatari Diar Real Estate Company

<sup>۵</sup> Kuwait China Investment Company

<sup>۶</sup> Minerals Energy Commodities Holding

<sup>۷</sup> Jenat

<sup>۸</sup> Hail Agricultural Development Company

<sup>۹</sup> National Agricultural Development Company

<sup>۱۰</sup> Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

بسیاری از پروژه‌های برنامه‌ریزی شده ممکن است در نتیجه ریسک‌های سیاسی، به امضا نرسیده یا اجرا نشوند. برخی از قراردادها ممکن است فسخ شوند، به خصوص در جایی که سرمایه‌گذاران شورای همکاری خلیج فارس سعی در صادرات تمام تولیدات یک سرمایه‌گذاری کشاورزی را در زمانی دارند که کشور مبدأ با کمبود جدی مواد غذایی مواجه است. فضای زیادی برای سرمایه‌گذاری به منظور افزایش محصول کل کشاورزی از طریق تأمین مالی، تجهیزات، آموزش، فناوری، بذر و کود وجود دارد - و منطقه شورای همکاری خلیج فارس تولیدکنندگان عمده کود را دارد. اما ریسک‌ها می‌توانند بر چنین مزیت‌هایی غلبه کنند، به خصوص در جایی که تردیدهایی درباره قابلیت اجرایی قراردادهای اجاره زمین و توافقات صادراتی در مواقع کمبود، وجود دارد.

کارشناسانی که برای این گزارش با آنها مصاحبه شده اتفاق نظر دارند که سرمایه‌گذاری‌های کشاورزی خارج از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، در بلندمدت ادامه نخواهد داشت، مگر اینکه این ریسک‌ها به دقت مدیریت شوند. موضوعات اصلی عبارتند از تضمین یک فرایند شفاف ارزش‌گذاری و انتقال مالکیت زمین، تضمین طیف وسیع‌تری از ذینفعان نسبت به صرف دولت‌ها، فراهم کردن مزایای شفاف و محسوس برای جوامع محلی، و احترام به قواعد تجاری، مقررات صادراتی و تعهدات کشور به سازمان‌های بین‌المللی تجارت.

یک عامل پیچیده این است که در برخی از کشورهای در حال توسعه، مالکیت زمین همیشه شفاف نیست و مالکیت زمین هنوز به طور کامل پذیرفته نشده است. خانم مینزن دیک اظهار می‌دارد که «اگر قطعات بزرگی از زمین‌های استفاده نشده وجود داشته باشد، اولین گام این است که پرسیده شود که آیا این زمین واقعاً استفاده نشده است یا توسط دامداران یا کشاورزانی مورد استفاده قرار گرفته که به جای اسناد مالکیت، ادعاهای اجدادی و تاریخی بر زمین دارند». «اگر شما این افراد را جابجا کنید باعث ایجاد اعتراض می‌گردد و این اولین ریسک سرمایه‌گذاران است». او همچنین به ریسک بلا استفاده ماندن زمین به دلایل زیست‌محیطی نیز اشاره می‌کند.

دکتر هانیا فرهان<sup>۱</sup> مدیر پژوهش بنیاد مو ابراهیم<sup>۲</sup>، یک سازمان غیر دولتی که از رهبری آفریقایی پشتیبانی می‌کند، عقیده دارد که سرمایه‌گذاران شورای همکاری خلیج فارس باید به دقت بررسی کنند که چه کسی مالک زمین است. او می‌گوید «با فرض وجود پذیرش قانونی و شفافیت، سرمایه‌گذاران باید با تمام سطوح جامعه مدنی و نه تنها مقامات، سرو کار پیدا کنند». «آنها باید قادر به خرید سهم از دولت باشند، اما این خرید از محلیان است که تمام این تفاوت‌ها را ایجاد می‌کند که آیا این سرمایه‌گذاری‌ها پایدار است یا خیر».

<sup>۱</sup> Hania Farhan

<sup>۲</sup> Mo Ibrahim Foundation

نیل کرودر<sup>۱</sup> مدیر اجرایی سرمایه‌گذاری چایتون<sup>۲</sup> که تخصص آن در سرمایه‌گذاری‌های کشاورزی است، به سرمایه‌گذاران شورای همکاری خلیج فارس هشدار می‌دهد که «به دقت به کسی که با او مذاکره می‌کنند توجه کنند. سرمایه‌گذاری‌ها باید به درستی ساختار بندی شوند و شامل مذاکراتی با مالکان محلی زمین و دولت و در صورت امکان قبایل محلی باشند تا اطمینان حاصل شود که تمامی طرفین، توافق دارند. اگر سرمایه‌گذاران حوزه خلیج فارس یک دید بلندمدت داشته باشند - به عنوان مثال بازده پایین تر را برای تضمین اینکه جوامع محلی درصدی از محصول را دریافت می‌کنند بپذیرند - امکان تأمین الزامات امنیت غذایی وجود دارد».

### پربیش<sup>۳</sup> در مقابل مالتوس<sup>۴</sup>: دیدگاه‌های متضاد در مورد امنیت غذایی

افزایش قیمت مواد غذایی در سال ۲۰۰۸ به تئوری توماس مالتوس اقتصاددان سیاسی فرصت دوباره داد، تئوری که بر اساس آن، جمعیت جهان نهایتاً با منابع زمینی متناهی مواجه می‌شود و نمی‌تواند رشد خود را حفظ نماید.

این برخلاف نظر راثول پربیش اقتصاددان آرژانتینی است که در دهه ۱۹۷۰ استدلال نمود که تولیدکنندگان جهان سوم کالاها به واسطه عرضه مواد خام به سمت وابستگی به کشورهای توسعه یافته کشیده شده‌اند در حالی که ذخیره‌سازی در کشورهای توسعه یافته‌ای صورت می‌گیرد که این مواد را فراوری می‌کنند. هر دو پیش‌بینی وخیم، دارای اغراق هستند. اما پربیشانی و ناآرامی که چنین تئوری‌هایی اشاعه می‌دهند، باعث اتخاذ ابزارهای دفاعی در هر دو سمت عرضه‌کننده و خریدار شده است و این خود باعث اختلال در بازار جهانی مواد غذایی می‌گردد.

### تسهیم عواید با کشورهای تولیدکننده مواد غذایی

اگر سرمایه‌گذاری‌های کشاورزی به درستی سازمان داده شوند، عواید بالقوه چشمگیری در هر دو سمت وجود دارد. دکتر اِکین ادسینا<sup>۵</sup> معاون اتحادیه کنیایی انقلاب سبز در آفریقا<sup>۶</sup> اشاره می‌کند که در برخی از مناطق آفریقا امکان افزایش ۱۰ برابری تولیدات کشاورزی از طریق استفاده از گونه‌های مناسب بذر، تجهیزات آبیاری، سرمایه‌گذاری و دیگر فناوری‌ها وجود دارد. او اضافه می‌کند که بر اساس برآوردهای مؤسسه بین‌المللی تحقیقات سیاست غذایی، آفریقا سالانه به ۳۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کشاورزی نیاز دارد. بر اساس پیمان پان آفریقایی<sup>۷</sup>، دولت‌های آفریقایی باید ۱۰ درصد از مخارج خود را به سمت

<sup>۱</sup> Neil Crowder

<sup>۲</sup> Chayton Capital

<sup>۳</sup> Raul Prebisch

<sup>۴</sup> Thomas Malthus

<sup>۵</sup> Akin Adesina

<sup>۶</sup> Alliance for a Green Revolution in Africa

<sup>۷</sup> pan-African treaty

کشاورزی سوق دهند. وی بیان می‌دارد که «اگر تمام کشورهای آفریقایی این کار را انجام می‌دادند، سالانه ۲۰ میلیارد دلار تأمین می‌گردید» و ۱۷ میلیارد دیگر باید از منابع دیگری تأمین شود. «از آنجایی که دولت‌های حوزه خلیج فارس در هر جایی به دنبال مواد غذایی هستند، طبیعتاً به سمت آفریقا خواهند آمد. آفریقا نیاز به سرمایه‌گذاری دارد اما این باید به روشی شفاف صورت گیرد».

ایگی باسی<sup>۱</sup> بنیانگذار گادکو (شرکت توسعه کشاورزی جهانی)<sup>۲</sup> که بر راه‌حل‌های آفریقایی برای امنیت غذایی تمرکز داشته و در هلند، غنا و انگلستان مستقر است، می‌گوید که «شما شفافیت قانونی کامل ندارید و در برخی موارد، زمین دولتی توسط کسانی که بخشی از سیستم پارتی بازی سیاسی هستند به قیمتی پایین‌تر از قیمت بازار به فروش رسیده است». او یادآور می‌شود که معاملات انجام شده با دولت‌ها در کشورهایی که نیاز زیادی به واردات مواد غذایی دارند، دیری نمی‌پاید: «یک وزیر ممکن است ۵ سال در منصب قدرت باشد اما امنیت غذایی یک موضوع ۵ ساله نیست. امنیت غذایی مستلزم پیوند بلندمدت بین بخش‌های عمومی و خصوصی است».

آقای باسی اضافه می‌کند که «دولت‌های حوزه خلیج فارس در حال حاضر برخی نظرات اجتماعی منفی را حول این موضوع ملاحظه می‌کنند. ما احتمالاً شاهد حرکت به سمت معاملاتی هستیم که بیشتر برای دو طرف برد - برد هستند، به جای خریدهای عمده چند هزار هکتاری». او بیان می‌دارد که کشورهای حوزه خلیج فارس می‌توانند مخارج کمک‌های خارجی خود را به اهداف امنیت غذایی نزدیک نمایند، «به کشورها کمک کنند که مواد غذایی مازاد تولید کرده و سپس آن را صادر نمایند». کشورهای حوزه خلیج فارس همچنین می‌توانند در مورد پشتیبانی از تحقیق و توسعه نیز فکر کنند: «اگر آنها یک مؤسسه تحقیقاتی به عنوان مثال برای انجام تحقیقات در مورد گونه‌های بذر مقاوم به خشک‌سالی تأسیس نمایند، می‌توانند وارد مشارکت‌های دوجانبه با کشورهای تولیدکننده مواد غذایی از جایگاه قدرت شوند».

همانطور که دولین کویک<sup>۳</sup> پژوهشگر سازمان گرین<sup>۴</sup> - یک سازمان غیردولتی که نقش یک دیدگاه منتقد در مورد سرمایه‌گذاری خارجی در کشاورزی کشورهای در حال توسعه را ایفا می‌نماید - بحث می‌کند: «دولت‌های حوزه خلیج فارس باید مشاوره و مذاکره با کشاورزان محلی را مدنظر داشته باشند. یکی از مشکلات این است که کشاورزان غالباً نادیده انگاشته می‌شوند. از میان یک میلیارد نفر فقیرترین افراد جهان، ۸۰ درصد آنها تولیدکننده مواد غذایی هستند».

(برنامه جامع مساعدت به توسعه کشاورزی آفریقا در سال ۲۰۰۳ به عنوان بخشی از مشارکت جدید اتحادیه آفریقا برای توسعه آفریقا، توسط کشورهای آفریقایی به امضا رسید)

<sup>۱</sup> Iggy Bassi

<sup>۲</sup> GADCO (Global Agri-Development Company)

<sup>۳</sup> Devlin Kuyek

<sup>۴</sup> GRAIN

خانم مینزن دیک اظهار می‌دارد که «در بلندمدت، سرمایه‌گذاری در بهبود بهره‌وری کشاورزی در کشورهای در حال توسعه، در کنار ثبات بیشتر در بازارهای جهان، دارای منافع بلندمدت برای کشورهای حوزه خلیج فارس است». «پیروی از رهنمودهای نوظهور برای سرمایه‌گذاری خارجی، می‌تواند کمک نماید. اینها شامل احترام به حقوق مالکیت زمین و منابع، شفافیت، مشاوره با تمام افراد تحت تأثیر، دوام‌پذیری اقتصادی، پایایی زیست‌محیطی و اجتماعی، و تقویت امنیت غذایی محلی است». همانند دیگر موضوعات در خصوص مواجهه با منابع محدود مانند آب و برق، رویکردها به برخورد با کمبود مواد غذایی نیز احتمالاً در دهه آینده به عنوان منبعی از مناقشات باقی می‌ماند.



## نتیجه گیری

منطقه شورای همکاری خلیج فارس با توجه به فراوانی منابع طبیعی اصلی و کمبود دیگر منابع، سابقه‌ای طولانی به عنوان یک مرکز تجاری دارد. این منطقه در حال حاضر از یک مازاد تجاری قوی برخوردار است اما ریسک از بین رفتن آن نیز وجود دارد، زیرا رشد سریع جمعیت منجر به واردات بیشتر می‌شود، در حالی که همچنین مصرف داخلی کالاهای صادراتی و منابع انرژی را نیز افزایش می‌دهد. این منطقه انگیزه‌های روشنی برای بهبود مدیریت منابع طبیعی، کسب منافع بیشتر از مواهب طبیعی، بهبود کارایی انرژی و مصرف آب خود، و نیز تضمین این امر دارد که میزان کافی از عرضه مواد غذایی وارداتی وجود خواهد داشت.

در دهه پیش رو، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با فشار برای استفاده کارا تر از منابع انرژی خود به منظور تأمین جمعیت رو به رشد خود، آزاد کردن منابع برای صادرات، و رسیدگی به نگرانی‌های معطوف به تغییرات اقلیمی و آلودگی مواجه خواهند بود.

کشورهای این منطقه به دنبال مدیریت انرژی به شیوه‌های جدید با تمرکز نه تنها بر صادرات نفت و گاز بلکه بر افزایش سهم ارزش افزوده محصولات پایین دست، هستند. تمرکز بر صادرات انرژی با ارزش افزوده بالا، همچنین هزینه فرصت اتلاف انرژی به واسطه کاربری‌های داخلی ناکارا را افزایش می‌دهد. گرچه اقتصادهای شورای همکاری خلیج فارس انرژی بر باقی خواهند ماند، اما جای زیادی برای کارا تر کردن مصرف انرژی، چه از طریق تغییر رفتار مصرف کننده، اصلاح یارانه‌ها و یا ارائه ایده‌های جدید در طراحی ساختمان و حمل و نقل دارند. این حقیقت که بعضی از بخش‌های منطقه گاز کمی عرضه می‌کنند، نشان دهنده اهمیت تغییر مدیریت منابع انرژی است. بهبود کارایی انرژی مستلزم تغییرات اجتماعی و فرهنگی است، گرچه این سؤال باقی خواهد بود که آیا دولت‌های حوزه خلیج فارس قادر به قطع یارانه‌های انرژی خانگی خواهند بود یا خیر.

این منطقه همچنین باید با شدت بیشتری بر حفظ منابع کمیاب آب تمرکز نمایند، زیرا رشد جمعیت و استفاده‌های ماسرفانه از آب بر شدت کمیابی منابع خواهد افزود. در مورد برق، اصلاحات سیستم یارانه تعرفه با موانع سیاسی روبرو است. با این حال، کمبود آب، فرصت‌هایی را برای توسعه فناوری‌ها و صنایع جدید تأمین آب شامل فناوری‌های جدید و انرژی کارا تر نمک‌زدایی، فراهم می‌کند.

وابستگی تاریخی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بر واردات مواد غذایی نیز منجر به رویکردهای جدید در مورد امنیت عرضه می‌گردد. راهبرد فعلی در این منطقه بر خرید یا اجاره بلندمدت زمین‌های کشاورزی در خارج از کشور و عمدتاً در آفریقا متمرکز است. اگرچه موهبت منابع کشورهای سرمایه‌گذار شورای همکاری خلیج فارس و کشورهای آفریقایی تولیدکننده محصولات کشاورزی، مکمل هستند، سرمایه‌گذاری‌ها مناقشه برانگیز بوده و مستلزم مدیریت دقیق ریسک خواهند بود. اکثر کارشناسان اتفاق نظر

دارند که کلید سرمایه‌گذاری کشاورزی موفق –تأمین بهترین فرصت‌ها برای امنیت غذایی در بلندمدت– تسهیم عواید در بین کشورهای تولیدکننده و کشورهای وارد کننده مواد غذایی است.



## **The GCC in 2020: Resources for the future**

**Jane Kinninmont**

**Economist Intelligence Unit**

Translated By  
Presidential Center for Strategic Studies  
2017